

«هرگونه محدودیتی که در قانون برای آزادی بیان تعیین شود، به وسیله‌ای برای سرکوب اندیشه‌ها و آثار مخالف بدل می‌گردد و به همین سبب است که آزادی قلم باید از دسترس حکومت‌ها بیرون باشد. اگر در قانون به دولت اجازه داده شود که محدودیتی برای آزادی بیان قایل شود، در واقع دولت می‌تواند هر وقت که لازم دید به بهانه همین محدودیت‌ها، هرگونه منعی را بر بیان اندیشه‌ها و آثاری که به گمان خودش نامطلوب و زیان‌بار هستند به صورت قانونی تحمیل کند. بنابراین آزادی اندیشه و بیان و نشر نباید به هیچ وجه محدود، مقید و مشروط شود. آزادی انتقاد، آزادی ابراز عقاید مخالف، هر قدر هم به نظر عده‌ای ناپسند، زیان‌بخش و انحرافی باشد، در جامعه مدنی دموکراتیک باید به طور مطلق باقی بماند. ... بدا به حال حکومتی که ملتش با اختناق و سانسور از انحراف و فساد «محفوظ» بماند... فقط کسانی با آزادی بی قید و شرط بیان، مخالف هستند که ریگی به کفش خود دارند و از آگاه شدن مردم و آشکار شدن همه واقعیات می‌هراسند»  
محمد جعفر پوینده، یکی از قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای پاییز ۱۳۷۷

## یک سال از قتل نویسندگان و آزادی‌خواهان ایران گذشت، جنایتکاران اصلی هنوز آزادند

مردم، روشنفکران، روزنامه‌نگاران، خانواده‌های قربانیان جنایات شوم پاییز ۷۷:

# علی فلاحیان را دستگیر کنید، او باید پاسخگو باشد!



دستگیری عناصر قتل‌ها به نگاه عالی‌ترین مقام قضایی کشور خواستار شناسایی و دستگیری عاملان و طراحان قتل‌ها می‌شود. پس از آن شاهد اظهارات متناقض آقای نیازی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح هستیم... برای ما و همه مردمی که قلبشان در راه آزادی و سرزمین و همنوعان‌شان می‌تپد، انگیزه مرتکبان این قتل‌ها کاملاً ادامه در صفحه ۳

برخوردهای پرابهام مسئولان در ارتباط با موضوع قتل‌ها، پرده ساتری بر علت‌های وجودی اعمال خشونت‌بار است. یک روز می‌گویند که قتل‌ها محفلی بوده است اما پس از مدتی به دنبال ردی از یک شبکه در خارج از مرزها می‌گردند. بار دیگر می‌گویند تمامی آمران و عاملان این قتل‌ها دستگیر شده‌اند، اما پس از مدتی و مدت‌ها پس از اعلام شناسایی و

مصاحبه‌هایی که روزنامه خرداد با آن‌ها ترتیب داد، به سیاست دفع‌الوقت دستگاه قضایی کشور اعتراض کردند و خواهان دستگیری و محاکمه علنی همه جنایتکاران شدند.

**صفا پوینده:**  
ریشه جنایات باید خشکانده شود  
خانم صفا پوینده، خواهر محمدجعفر پوینده در گفتگو با روزنامه خرداد گفت:

و اظهارنظرهای خانواده‌های قربانیان این جنایت شوم، یک سخن گاه با صدای رسا و گاه به آرامی زمزمه می‌شود: علی فلاحیان را دستگیر کنید، او مسئول است، او باید پاسخگو باشد!

همزمان با فرارسیدن سالگرد این فاجعه هولناک و تکان‌دهنده خانواده‌های قربانیان جنایت دستگاه مخوف اطلاعاتی جمهوری اسلامی در

آیین‌های بزرگداشت یکمین سالگرد مرگ قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای این هفته در شرایطی در تهران برگزار شد که هنوز مسبب اصلی این جنایات به مردم معرفی نشده‌اند و بنا بر تاکید روزنامه‌نگاران مطلع، تنها عوامل درجه هفتم و درجه هشتم قتل‌ها را بازداشت کرده‌اند. در این آیین‌ها که با حضور هزاران نفر از مردم تهران برگزار شد، در روزنامه‌ها، در مصاحبه‌ها

ارزاز نگرانی‌های گسترده از روند رسیدگی به پرونده جنایت علیه نویسندگان و آزادی‌خواهان کشور

### جبهه مشارکت اسلامی: شدیداً نگرانیم!

● در طول تاریخ انقلاب اسلامی پرونده‌ای به این پایه از اهمیت در سطح ملی مطرح نبوده است. این پرونده برای پیگیری نیازمند اراده قدرتمند سیاسی و قضایی برای کشف حقیقت بوده و روند کندی که امروز در این باب مشاهده می‌شود ناشی از فقدان چنین اراده قدرتمندی در سازمان قضایی نیروهای مسلح است.

در صفحه ۳

### اکبر گنجی: پرونده قتل‌ها در مسیر کشف حقیقت نیست!

گنجی: هر تبیینی برای اینکه به حقیقت نزدیک شود باید کلیه قتل‌های ماقبل دوم خرداد را نیز دربر بگیرد تنها راه پیشرفت در پرونده قتل‌ها دستگیری «شاه کلید تاریک خانه اشباح» است

علوی تبار: سعید امامی نفر هفتم بوده است، نقش فعال‌تر را شخصی با نام مستعار «صادق» داشته است

در صفحه ۴

ائتلاف روشنفکران دینی و روزنامه‌نگاران اسامی کاندیداهای خود برای تهران را اعلام کرد

علی حکمت عضو ائتلاف روشنفکران دینی و روزنامه‌نگاران

## اگر شورای نگهبان کاندیداهای ما را رد کند از مردم خواهیم خواست که به آن‌ها رای بدهند

۱- عبدالله نوری (مدیر مسئول روزنامه خرداد)؛ ۲- محسن کدیور (محقق، مدرس و نویسنده)؛ ۳- عبدالکریم سروش (نظریه پرداز، مدرس و نویسنده)؛ ۴- محمد مجتهد شبستری (اسلام شناس، مدرس و نویسنده)؛ ۵- محمد موسوی خویینی‌ها (مدیرمسئول روزنامه توقیف شده سلام)؛ ۶- عزت‌الله سبحانی (مدیرمسئول هفته‌نامه

ایران فردا)؛ ۷- عباس عبیدی (عضو شورای سردبیری روزنامه صبح امروز)؛ ۸- شهلا شرکت (مدیر مسئول ماهنامه زنان)؛ ۹- اعظم طالقانی (مدیرمسئول هفته‌نامه پیام هاجر)؛ ۱۰- سیدهاشم آغاچری (استاد دانشگاه و عضو تحریریه هفته‌نامه عصر ما)؛ ۱۱- اکبر گنجی (محقق و مدیر مسئول هفته‌نامه راه نو)؛ ۱۲- محمد طیبیان

(اقتصاددان و کارشناس و پژوهشگر اقتصادی)؛ ۱۳- موسی غنی‌نژاد (اقتصاددان و نویسنده)؛ ۱۴- حمیدرضا جلالی‌پور (جامعه‌شناس و رئیس شورای سیاست‌گذاری روزنامه عصر آزادگان)؛ ۱۵- علیرضا علوی تبار (استاد دانشگاه و عضو شورای سردبیری روزنامه صبح امروز)؛ ادامه در صفحه ۲

عبدالله نوری در آخرین دفاع:

### تفکر حذف، چون مور یانه‌ای به جان کشور افتاده است

● دادگاه مانع از ایراد آخرین دفاع توسط عبدالله نوری شد و هیات منصفه بدون شنیدن آخرین دفاع به اتفاق آراء عبدالله نوری را محکوم کرد

به دنبال پایان جلسات دادگاه عبدالله نوری، هیات منصفه دست‌پخت این دادگاه بدون شنیدن آخرین دفاعیات، نوری را در ۱۵

محافظه کار و ضد آزادی هستند و برخی از آن‌ها حتی در قتل‌های پاییز گذشته دست دارند، با نظر خود، راه را برای محکومیت عبدالله نوری هموار ساختند. مطابق نظر اعلام شده از سوی هیات منصفه، محکومیت عبدالله

نوری قطعی است و اکنون دادگاه باید در مورد میزان این محکومیت تصمیم بگیرد. در عین حال گزارش‌های تأیید شده، از مذاکرات پشت پرده در مورد سرنوشت این دادگاه خبر ادامه در صفحه ۱۰

### اسناد و مقالات پیشنهادی به کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

- اهداف سیاسی، مواضع، سیاست‌ها و برنامه عمل سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) صفحه ۵
- در راه ژرفش جنبش اصلاح‌طلبی در کشور صفحه ۶
- برای توسعه سیاسی و بهسازی زندگی مردم جهان و جایگاه ما صفحه ۷
- صفحه ۸

سر مقاله

## یک سال پس از قتل‌های زنجیره‌ای پاییز ۷۷

از قتل‌های زنجیره‌ای پاییز ۷۷، یک سال گذشت و هنوز هم حکومت، همه دست‌اندرکاران و عوامل پشت پرده این قتل‌ها را به مردم معرفی نکرده است. هنوز کسی علی فلاحیان، وزیر اطلاعاتی که سعید امامی را نزدیک به یک دهه در حساس‌ترین مقام امنیتی جمهوری اسلامی نگه داشت را مورد بازخواست قرار ن داده است. هنوز خانواده‌های قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای از نتایج تحقیقات مقامات قضایی رژیم، بی‌اطلاعند و نمی‌دانند به عنوان شاکی خصوصی باید از چه کسانی شکایت کنند. به جای آنکه عوامل پشت پرده قتل‌ها تحت تعقیب قرار گیرند، حسینیان مدافع سعید امامی به عنوان عضو هیات منصفه، رأی به مجرم بودن مسئول روزنامه خرداد می‌دهد که یکی از گناهان آن، افشای اسرار قتل‌هاست.

حتی بسیاری از اصلاح‌طلبان حکومتی نیز بزرگترین گناه قاتلان را ضربه زدن به نظام یا تضعیف دولت خاتمی می‌دانند، نه پایمال کردن مهم‌ترین حق گروهی از شهروندان، یعنی حق زندگی، هم و غم دستگاه قضایی که باید ملجأ مردم در برابر ناقضان حقوقشان باشد، به جای پیگیری واقعی پرونده قتل‌ها، بستن روزنامه‌های مدافع حقوق مردم و دستگیری مدیران و سردبیران آنهاست. دانشجویان را به اتهام شرکت در تظاهرات تیرماه، ظرف چند ماه به زندان‌های طویل‌المدت محکوم کردند، اما قاتلان زنجیره‌ای با گذشت یک سال هنوز محاکمه نشده‌اند.

جنبش محافظه کار مسلط بر حکومت که زمام امور دستگاه قضایی را در دست دارد، می‌کوشد با دفع وقت، پرونده قتل‌ها را مضمول مرور زمان کند و به فراموشی بسپارد. سران این جناح که خود مسئولیت بسیاری از جنایات و موارد نقض حقوق بشر را بر عهده دارند، با تمام قوا می‌کوشند سر و ته قضیه قتل‌ها با همین حد از افشاگری اجباری که تاکنون صورت گرفته است، به هم آید.

در برابر این تلاش محافظه‌کاران، اصلاح‌طلبان حکومتی مسئولیت سنگینی بر عهده دارند. آقای خاتمی رئیس‌جمهور، چند هفته پس از قتل‌های سال گذشته به مردم قول داد این پرونده را تا هر کجا که لازم باشد دنبال خواهد کرد. زمان آن فرا رسیده است که این وعده آقای خاتمی بار دیگر به او یادآوری شود. آقای خاتمی به خوبی می‌داند که انتهای پرونده قتل‌ها، سعید امامی نیست. مهره‌های بسیار مهم‌تر از سعید امامی در عملیات مافیایی وزارت اطلاعات دست داشته‌اند. این را نیز آقای خاتمی به خوبی می‌داند که این عملیات مافیایی با قتل‌های پاییز ۷۷ آغاز نشد. از اعدام‌های دسته‌جمعی دهه ۶۰ که بگذریم، سابقه جنایات وزارت اطلاعات به ادامه در صفحه ۹

به منظور مقابله با «نیروهای غیر خودی» روحانیون حاکم تشکیل جلسه دادند

دومین نشست مشترک جامعه روحانیت، مجمع روحانیون مبارز و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، روز پنجشنبه گذشته در تهران برگزار شد و برخلاف نشست نخست آن‌ها در قم، تحت پوشش وسیع خبری قرار گرفت. در این نشست مهدوی کتی دبیرکل جامعه روحانیت مبارز تهران، مشکینی رئیس مجلس خبرگان رهبری، کروی دبیر کل مجمع روحانیون مبارز و هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، سخنرانی کردند.

مهدوی کتی در سخنرانی خود گفت: باید بگوئیم تا با نزدیک شدن به یکدیگر و ایجاد وحدت و همدلی، راه رخنه عناصر غیر خودی را بندیم و مانع از آسیب‌پذیری انقلاب و نظام اسلامی شویم. دبیرکل جامعه روحانیت مبارز تهران از اسلام، انقلاب، امام و خط امام، ولایت فقیه و رهبری به عنوان «محورهای اصلی وحدت» یاد کرد. کتی افزود: از اجتماع ما غیرخودی‌ها و دشمنان ناراحت هستند.

آیت‌الله مشکینی روحانیون را از سخن گفتن علیه یکدیگر برحذر داشت. مهدی کروی دبیرکل مجمع ادامه در صفحه ۲

یادداشت

پیرامون «ائتلاف تازه»

در هفته گذشته روشنفکران دینی و روزنامه‌نگاران اصلاح طلب در ائتلاف با هم، لیست کاندیداهای خویش برای انتخابات آتی مجلس را منتشر کردند. علی حکمت سردبیر روزنامه خرداد که نامش در لیست مزبور قرار دارد، در کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت این ائتلاف با جنبش دانشجویی به منظور دست‌یابی به یک لیست مشترک وارد مذاکره شده است. اولین بار است که روشنفکران دینی و روزنامه‌نگاران اصلاح طلب مستقلا بصورت جمعی وارد عرصه مبارزه سیاسی شده و در کارزار انتخابات شرکت می‌جویند.

تاکنون در انتخابات عمدتاً جناح‌های حکومتی شرکت داشتند و شورای نگهبان کسانی را که خارج از دایره حکومت اسلامی بودند، حذف می‌نمود و به مردم تنها حق انتخاب از بین کاندیداهای حکومتی مورده نظر این شورا داده می‌شد. این‌بار نیروهایی قدیم به جلو گذاشته‌اند که هر چند بطور عمده وابسته به حکومت هستند، اما یک گام از دایره بسته و رسمی قدرت فاصله دارند و عمدتاً در مطبوعات مستقل و منتقد و در مجامع علمی و فرهنگی متمرکز هستند. این نیروها در پیشبرد اصلاحات سیاسی و فرهنگی و در مبارزه علیه افکار ارتجاعی و منجمد، اندیشه‌های اقتدارگرا، سیاست‌های ضد دموکراتیک و اقدامات سرکوبگرانه نقش بسزایی دارند. آنها نقش پیشرو و پیشتاز را در طیف نیروهای اصلاح طلب حکومتی بازی می‌کنند و بهمین خاطر بطور شدیدی آماج حمله نیروهای انحصار طلب و محافظه کار هستند. از بین آنها کدیور توسط دادگاه ویژه روحانیت محکوم و در زندان بسر می‌برد، خویشی‌ها چند ماه قبل محکوم شد و روزنامه سلام تعطیل گردید. سروش مدتهاست تحت فشار و آزار و اذیت قرار دارد و از تدریس در دانشگاه‌های کشور محروم شده است. عبدالله نوری و شمس‌الواعظین منتظر رای دادگاه هستند.

ائتلاف تازه با اعلام لیست کاندیداتوری و کاندید کردن عناصر خارج از دایره حکومتگران، قصد دارند حلقه بسته کنونی را اندکی باز کنند. و به همین خاطر لیست کاندیداتوری روشنفکران دینی و روزنامه‌نگاران اصلاح طلب در مرز خودی - غیر خودی خیلی ایجاد کرده است. در این لیست از فعالین ملی و مذهبی که جزو حکومت نیستند، گنجانده شده است؛ ولی در این ائتلاف نامی از فعالین ملی - چپ و دموکرات به چشم نمی‌خورد.

برآمد سیاسی روشنفکران دینی و روزنامه‌نگاران اصلاح طلب حرکتی است مثبت و بسود اصلاحات سیاسی. آغاز عملی است در شکستن مرز خودی - غیر خودی. این حرکت از جانب بسیاری از نیروهای آزادی‌خواه غیرحکومتی مورد استقبال و حمایت قرار خواهد گرفت. ولی این اقدام باید تداوم یابد. در این نکته بحثی نیست که این ائتلاف کاندیداهای خود را خود و از میان نیروهایی که می‌خواهد انتخاب کند، اما وظیفه دفاع از حقوق سایر روشنفکران و از جمله روشنفکران غیردینی و همچنین احزاب سیاسی مخالف برای مشارکت در امور سیاسی کشور و از جمله انتخابات مجلس ششم شورای اسلامی، وظیفه مهم و تاحیرناپذیری است که به اعتقاد ما در برابر این «ائتلاف» تازه وجود دارد و گام مهمی است در جهت نزدیک ساختن نیروهای روشنفکر و آزادی‌خواه ایران به یکدیگر.

انتخاباتی که نیروهای مخالف را کنار بگذارد، نمی‌توان نام انتخابات دموکراتیک بران گذاشت. بعد از گذشت بیست سال از انقلاب و سپری شدن حدود سه سال از انتخابات دوم خرداد، هنوز مردم باید به کاندیداهای حکومتی رای بدهند و محدوده انتخاب آنها، لیست کاندیداهای جناح‌های حکومتی است. هنوز برای نیروهای وسیع غیر حکومتی، امکان راهیابی به مجلس شورا وجود ندارد. این وضعیت باید بطور صریح و آشکار مورد انتقاد این ائتلاف قرار گیرد و در برنامه سیاسی آن، دفاع از حقوق مخالفان جایگاه برجسته‌ای داشته باشد.

برنامه‌های تبلیغات انتخاباتی خود قرار دهند. [ ]

هشدار نخست‌وزیر فرانسه به جمهوری اسلامی

هشدار غیرمنتظره نخست‌وزیر فرانسه به جمهوری اسلامی در مورد سرنوشت ۱۳ یهودی دستگیر شده، شریینی موفقیت‌های سفر آقای خامنی به این کشور را تلخ کرد. لیونل ژوسپین اندکی بعد از پایان سفر خاتمی به فرانسه، در سخنانی خطاب به رهبران جمهوری اسلامی گفت: اگر سیزده یهودی که به اتهام جاسوسی برای اسرائیل دستگیر شده‌اند به اعدام محکوم شوند، تهران نخواهد توانست روابط خود را با غرب بهبود بخشد. ژوسپین که در جمع رهبران یهودیان فرانسه سخن می‌گفت، افزود: اتهامات به افراد دستگیر شده از جمله یک خاخام یهودی و یک جوان ۱۶ ساله کاملاً ساختگی است. [ ]

آلمان: تظاهرات برای نجات دانشجویان

روز ۱۳ نوامبر گذشته به دعوت جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران - کلن، تظاهراتی در اعتراض به بازداشت و صدور احکام دانشجویان در یکی از پل‌های مرکزی این شهر برگزار شد که در آن ده‌ها تن از ایرانیان متقیم این شهر شرکت کردند. به گزارش این جمعیت، تظاهرکنندگان همچنین یاد فروهرها و نیز نویسندگانی را که قریب یک سال پیش سیعانه به دست عوامل رژیم اسلامی کشته شدند، گرامی داشتند. تظاهرکنندگان عکس‌های برخی از دانشجویان در بند و نیز تصاویری از پروانه و داریوش فروهر و نویسندگان آزادیخواه به دست داشتند. بر روی یکی از پلاکاردهای تظاهرات نوشته شده بود: «در ایران قاتلان حاکمند و آزادی‌خواهان در بند!» [ ]

ادامه از صفحه اول

۱۶- ماشاالله شمس‌الواعظین (نویسنده و سردبیر روزنامه عصر آزادگان)؛ ۱۷- محسن آرمین (محقق و سردبیر هفته نامه عصر ما)؛ ۱۸- عادل‌الدین باقی (محقق و نویسنده)؛ ۱۹- رجبعلی مزروعی (رییس انجمن صنفی روزنامه نگاران)؛ ۲۰- علی حکمت (سردبیر روزنامه خرداد)؛ ۲۱- رضا تهرانی (مدیرمسئول ماهنامه کیان)؛ ۲۲- احمد بورقانی (معاون سابق مطبوعاتی وزارت ارشاد)؛ ۲۳- مجید محمدی (محقق و نویسنده)؛ ۲۴- حسین پایا (مدیر انتشارات طرح نو)؛ ۲۵- مقصود فراستخواه (محقق و نویسنده)؛ ۲۶- مسعودرضا خاتمی (مدیرمسئول روزنامه مشارکت)؛ ۲۷- محمدجواد مظفر (مدیر انتشارات کویر)؛ ۲۸- مرتضی مردیبا (محقق و نویسنده)؛ ۲۹- کاظم شکری (عضو شورای سردبیری روزنامه صبح امروز)؛ ۳۰- مصطفی محقق داماد (استاد حوزه، دانشگاه)؛ ۳۱- ژاله شادای طلب (جامعه شناس و استاد دانشگاه)؛ ۳۲- عیسی سحرخیز (سردبیر روزنامه اخبار اقتصاد)؛ ۳۳ -

حسن یوسفی اشکوری (دین پژوه و عضو شورای سردبیری هفته‌نامه ایران فردا). این ائتلاف همچنین عبدالله نوری را به عنوان رییس مجلس ششم پیشنهاد و اعلام کرده است مذاکره با تشکل‌های دانشجویی برای رسیدن به فهرست مشترک را در دستور کار دارد. ائتلاف روشنفکران دینی و فعالان مطبوعاتی جبهه دوم خرداد افزون بر تهران در شهرستان‌ها نیز نامزدهای انتخاباتی خود را معرفی خواهد کرد.

پس از انتشار این لیست، علی حکمت، سردبیر روزنامه خرداد و یکی از اعضای ائتلاف فوق، در یک مصاحبه، پاره‌ای از اهداف این ائتلاف تازه را تشریح کرد. حکمت درباره هدف روشنفکران دینی و روزنامه‌نگاران برای حضور در انتخابات آتی مجلس گفت: بنا به اهمیت مجلس ششم و نقشی که می‌تواند در تحقق اهداف جنبش جامعه مدنی داشته باشد، به ویژه اگر بتواند پشتیبان، همفکر و همسنگر قوه مجریه باشد، تصمیم گرفته شد تا در ائتلافی، لیستی از افراد را فعلا برای تهران و در

آینده برای برخی مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها، پیشنهاد کنیم. وی لیست پیشنهادی ائتلاف روشنفکران دینی و روزنامه‌نگاران را در تبیین با لیست سایر تشکل‌های جبهه دوم خرداد ندانست و افزود: لیست پیشنهاد شده، نتیجه یک کار جمعی است که در آینده نزدیک، اسامی تدوین‌کنندگان این لیست، شورای مرکزی ائتلاف و اولویت‌های مجلس ششم آرایه خواهد شد. حکمت اضافه کرد: با بعضی از ۳۳ فردی که در لیست پیشنهاد شده‌اند، صحبت کرده‌ایم و با برخی نیز در حال مذاکره هستیم. چنانچه برخی از این افراد آمادگی حضور در مجلس ششم را نداشته باشند، افراد دیگری جایگزین آنان خواهد شد. وی گفت: تحلیل ما این است که مجلس ششم را ائتلافی از روشنفکران دینی، روزنامه‌نگاران برای حضور در انتخابات آتی مجلس گفت: بنا به اهمیت مجلس ششم و نقشی که می‌تواند در تحقق اهداف جنبش جامعه مدنی داشته باشد، به ویژه اگر بتواند پشتیبان، همفکر و همسنگر قوه مجریه باشد، تصمیم گرفته شد تا در ائتلافی، لیستی از افراد را فعلا برای تهران و در

شده و به احتمال قوی لیست کاندیداهای این ائتلاف و دفتر تحکیم پیشنهادهی ائتلاف بود، وی افزود: این ائتلاف در نظر دارد، چنانچه صلاحیت برخی از افراد پیشنهادی به دلایل واهی از سوی هیات‌های نظارت، رد شد، از مردم بخواهد که حتی‌الامکان به این افراد رای بدهند. وی با بیان این که این اقدام مشارکت مردم را افزایش خواهد داد، گفت: به این طریق مشخص می‌شود که با اعمال نظارت استصوابی چه قدر از نیروهای فعال و مورد اعتماد جامعه، کنار گذاشته می‌شوند. البته ما امیدواریم این قضیه پیش نیاید. حکمت در پاسخ به این سؤال که در صورت محکومیت عبدالله نوری در دادگاه و محروم شدن وی از کاندیداتوری در انتخابات، ائتلاف چه اقدامی خواهد کرد، دادگاه و محروم شدن وی از کاندیداتوری در انتخابات، ائتلاف چه اقدامی خواهد کرد، گفت: ائتلاف روشنفکران دینی و جنبش دانشجویی و چهره‌های برجسته و فعال در جنبش جامعه مدنی تشکیل خواهند داد. حکمت همچنین اعلام کرد ائتلاف روشنفکران دینی و روزنامه‌نگاران دوم خرداد با دفتر تحکیم وحدت وارد مذاکره

داده‌اند نوشت: گویی برای ولیمه حج و یا جشن عروسی، لیست میهمانان را تهیه می‌کنیم! پیرمردها و ریش سفیدهای خانواده شصت میلیونی ایران، حتی اگر در دوره‌های گذشته قانون‌گذاری، خطا، قصور یا تقصیری هم داشته‌اند، در صدر لیست قرار دارند. خرداد نوشت: این شیوه تفکر، ناشی از کمی تجربه ما در تمرین مردم‌سالاری (دموکراسی) است. در مقاله‌ای که در هفته‌نامه ارگان خود به نام «مشارکت» انتشار داد، حزب کارگزاران سازندگی را مورد انتقاد قرار داد و نوشت که برنامه‌های این حزب شکست خورده است. در عین حال سعید حجابریان از اعضای اصلی شورای رهبری جبهه مشارکت اسلامی، در برابر انتقاداتی که به لیست این گروه وارد شده است، اعلام کرد: «این لیست صیقل خواهد خورد»؛ روزنامه خرداد ضمن بررسی و مقایسه لیست‌های مختلف تشکل‌های دوم خرداد، در انتقاد به احزاب و گروه‌هایی که شخصیت‌های غیرخوش‌نام را در صدر لیست‌های خود قرار

گروه‌های «دوم خرداد» لیست کاندیداهای خود برای مجلس ششم را منتشر کردند

- کارگزاران: جبهه مشارکت از ائتلاف دوم خرداد فاصله گرفته است
● جبهه مشارکت: برنامه‌های کارگزاران شکست خورده است
● روزنامه خرداد: مشکل اصلی، فقدان رهبری است

روزی که در این لیست‌های جداگانه و بسیار مختلفی که از سوی هواداران جبهه دوم خرداد در تهران منتشر شده است، واکنش‌ها و انتقادات مختلفی را در درون این جبهه برانگیخته است. دو سوی شاخص اختلافات حزب کارگزاران سازندگی و جبهه مشارکت اسلامی هستند. هاشمی رفسنجانی، کاندیدای اول کارگزاران سازندگی در لیست جبهه مشارکت قرار ندارد و متقابلا کارگزاران نیز نام موسوی خویشی‌ها، کاندیدای اول جبهه مشارکت را در لیست خود وارد نکرده‌اند. حسین مرعشی جانشین دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی در واکنش به لیست جبهه مشارکت و نبودن نام هاشمی رفسنجانی در آن گفت: جبهه مشارکت خود را با تمام گروه‌های جبهه دوم خرداد درگیر کرده است. حسین مرعشی ضمن انتقاد از جبهه مشارکت اظهار داشت: جبهه مشارکت در لیست خود افراد شاخص، مطرح و معتبر

روزی که در این لیست‌های جداگانه و بسیار مختلفی که از سوی هواداران جبهه دوم خرداد در تهران منتشر شده است، واکنش‌ها و انتقادات مختلفی را در درون این جبهه برانگیخته است. دو سوی شاخص اختلافات حزب کارگزاران سازندگی و جبهه مشارکت اسلامی هستند. هاشمی رفسنجانی، کاندیدای اول کارگزاران سازندگی در لیست جبهه مشارکت قرار ندارد و متقابلا کارگزاران نیز نام موسوی خویشی‌ها، کاندیدای اول جبهه مشارکت را در لیست خود وارد نکرده‌اند. حسین مرعشی جانشین دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی در واکنش به لیست جبهه مشارکت و نبودن نام هاشمی رفسنجانی در آن گفت: جبهه مشارکت خود را با تمام گروه‌های جبهه دوم خرداد درگیر کرده است. حسین مرعشی ضمن انتقاد از جبهه مشارکت اظهار داشت: جبهه مشارکت در لیست خود افراد شاخص، مطرح و معتبر

روزی که در این لیست‌های جداگانه و بسیار مختلفی که از سوی هواداران جبهه دوم خرداد در تهران منتشر شده است، واکنش‌ها و انتقادات مختلفی را در درون این جبهه برانگیخته است. دو سوی شاخص اختلافات حزب کارگزاران سازندگی و جبهه مشارکت اسلامی هستند. هاشمی رفسنجانی، کاندیدای اول کارگزاران سازندگی در لیست جبهه مشارکت قرار ندارد و متقابلا کارگزاران نیز نام موسوی خویشی‌ها، کاندیدای اول جبهه مشارکت را در لیست خود وارد نکرده‌اند. حسین مرعشی جانشین دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی در واکنش به لیست جبهه مشارکت و نبودن نام هاشمی رفسنجانی در آن گفت: جبهه مشارکت خود را با تمام گروه‌های جبهه دوم خرداد درگیر کرده است. حسین مرعشی ضمن انتقاد از جبهه مشارکت اظهار داشت: جبهه مشارکت در لیست خود افراد شاخص، مطرح و معتبر

به منظور مقابله با «نیروهای غیرخودی» روحانیون حاکم تشکیل جلسه دادند

است و اکنون نیز باید زمینه‌ای را فراهم کنیم تا مردم هرچه بیشتر در انتخابات مجلس شرکت کنند و یاس و ناامیدی نصیب دشمنان خارجی و داخلی شود. هاشمی رفسنجانی دیگر سخنان این جلسه گفت: اختلاف خودی‌ها همیشه عامل پیشرفت دشمن بوده است. هاشمی رفسنجانی افزود: ما باید نیازهای مادی و معنوی مردم را با هم ببینیم و دنبال زندگی مادی مردم هم باشیم. وی باز شدن شکاف‌های متعدد و گوناگون در

صافوف خودی‌ها را موجب تسهیل رخنه دشمن دانست. در پایان این نشست کنی و کرویوی در یک مصاحبه مطبوعاتی مشترک شرکت کردند و نشست خود را «بسیار خوب، مفید و صریح» ارزیابی نمودند. دبیرکل مجمع روحانیون مبارز «ائتلاف» این مجمع با جامعه روحانیت مبارز تهران و «ارایه لیست مشترک» را رد کرد و گفت: «آن عزیزان لیست جداگانه می‌دهند و ما هم یک لیست می‌دهیم و توأم با رفاقت، یک

رقابت جدی خواهیم داشت»، در پایان این نشست مهدوی کنی و مهدی کرویوی به نشانه وحدت روحانیت یکدیگر را در آغوش گرفتند. نشست مذکور و به ویژه شرکت مجمع روحانیون مبارز در آن و قول و قرارهایی که درباره مقابله با «عناصر غیرخودی» گذاشته شد، ناراضی‌تی و نگرانی بسیاری از اصلاح‌طلبان واقعی در حکومت را نیز برانگیخته است. از نظر آن‌ها توجیهی برای این قول و قرارها وجود ندارد. [ ]

با کمک‌های مالی خود، ما را در انجام وظایف ملی و دموکراتیک پاری کنید!

کاندیداهای گروه‌های طرفدار دوم خرداد اعلام شدند

روزنامه‌های صبح یکشنبه ۲۳ آبان لیست نامزدهای انتخاباتی گروه‌های مختلف جبهه دوم خرداد در حوزه انتخابیه تهران را منتشر کردند. بنا بر گفته احزاب و گروه‌هایی که این لیست‌ها را منتشر کرده‌اند، لیست‌های پیشنهادی آن‌ها هنوز کامل نیست. برای آشنایی خوانندگان با نمایان و کاندیداهای مورد نظر این گروه‌ها، لیست‌های منتشر شده از سوی چند گروه عمده این جبهه را در زیر می‌آوریم:

مجمع روحانیون مبارزه مهدی کرویوی، موسوی خویشی‌ها، علی‌اکبر محمش، مجید انصاری، عبدالله نوری، آشتیانی، منجیب‌آباد، سیدمحمد دتایی، بیژاد نبوی، ابوالقاسم سرحدی‌زاده، علی‌اکبر رحمانی، عیسی ولایی، سیدهادی کدیور، حسین مظفرزاده، فاطمه کرویوی، گوهرالشریبه دستغیب، سیلا جلودارزاده و فاطمه رمضان‌زاده.

کارگزاران سازندگی: اکبر هاشمی رفسنجانی، محمود دتایی، فاطمه‌هاشمی، فاطمه رمضان‌زاده، رضا ملک‌زاده، محمد غزنی، سعید روشنی زنجانی، میرنا محجوبی، عبدالله نوری، حسن روحانی، دکتر زالی، مصلحی، مهدی کرویوی، مجید انصاری، حسین هاشمیان ابوالقاسم سرحدی‌زاده، طباطبایی، بیژاد نبوی، بیژاد نبوی، عیسی شیبانی، جنالی، جنبه کدیور، جبارزاده، سیدحسین هاشمی، اعتمادی، علی‌اکبر رحمانی فیروز آبادی، سیلا جلودارزاده، بیژاد نبوی، نوری وفاقی، عیسی محقق داماد، سیدمحمدتاج خانی، بانکی، محمدعلی بشارتی، خاتمی، راجعی و عربیہ داغ.

جبهه مشارکت: سیدمحمد موسوی خسروپلی‌ها، عبدالله نوری، سیدمحمدرضا خانی، محسن میردامادی، محسن صفایی افشاری، رجبعلی مزروعی، حسین شریف‌زادگان، شمس‌الدین وهاب‌ی، بیژاد نبوی، بهارفیروز آبادی، علی شکوری‌راد، عباس عبیدی، محمدنویسی‌پور احمدپورنویسی، محسن رحمانی، مجید سعیدی، بیروز افشاری، فاطمه حقیقت‌جو، فاطمه واکس، سیلا جلودارزاده، عیسی مدرس کبانی، محسن آرمین، هاشم اخاچری، علیرضا بیشتی، خاتم کریم‌زاده (خاتمی)، الهه کولایی، هادی سنتی، ابوالقاسم سرحدی‌زاده، بیروز مخا، کریم ارشدپور، حسین مظفری‌زاده، مهدی کرویوی احمدپورقانی، حیدرنا جلالی‌پور، بیروز خاچانی، سیدالرسول منجیب‌آباد، محسن رضایی، علیرضا علوی‌نبار، داوود سلیمانی و علی آذربادگان.

خانه کارگر: اکبر هاشمی رفسنجانی، علیرضا محجوب، ابوالقاسم سرحدی‌زاده، سیلا جلودارزاده داوود سکر، غلامعباس رحمانی، مهدی کرویوی، فاطمه هاشمی، فاطمه کرویوی، عبدالله نوری، بیژاد نبوی، ایاس حضرتی، محمد فرخی، حسن روحانی، علی‌اکبر محمش، محسن سیددامادی، محمود دتایی، فاطمه رمضان‌زاده، ذاکری، راه‌چینی عباس احمدی، اثرلی اسفغانی، العیسی، دکتراحمد پورنویسی، حاجتی کرمانی، رضا خاتمی، رضیه داغ، علی‌اکبر رحمانی، محسن رضایی، زالی، داوود سلیمانی شکوری‌راد، عیسی‌نبار، کارستان، حسین هاشمیان، علی‌پور، رجبعلی مزروعی و دانشور.

مجمع نمایندگان ادواری: مهدی کرویوی، موسوی خویشی‌ها، حسین هاشمیان، عبدالله نوری، امیر رحمانی، سیدهادی خاتمی، بیژاد نبوی، علی صالح آبادی، هادی غفاری، محمود ربانی، سیدحسن الحسینی، سیدمروغ صندی، خاتم رحایی، حسین مظفرزاده، رضا خانی ابوالقاسم سرحدی‌زاده، عباس عبیدی، محسن مخلفیاب، جواد مظفر، عزت‌الله سعیدی احمد بورقانی، سیلا جلودارزاده، شادالدین باقی، حسین مرعشی، فاطمه کرویوی حیدرنا جلالی‌پور، علی‌افشاری، هاشم اخاچری و محمد فرخی.

حزب همبستگی ایران اسلامی: مهدی کرویوی، موسوی خویشی‌ها، اکبر هاشمی رفسنجانی، محمدرضا توسلی، عبدالله نوری، مجید انصاری، حسین هاشمیان، سیدهادی خاتمی‌ها، علی‌اکبر محمش، رسول منجیب‌آباد، فاطمه کرویوی، سیلا جلودارزاده، فاطمه هاشمی، فاطمه رمضان‌زاده، مرتضی داغ، ابوالقاسم سرحدی‌زاده، حسین روشنی، رضا خاتمی، بیژاد نبوی، ایاس حضرتی، علی‌اکبر احمدی، ابراهیمی‌بابی سلامی، منوچهر بیینا، حسین سکر، مجیدی موسوی‌اجاقی، محمدرضا راه‌چینی، علیرضا محجوب، مصطفی کواکبانی، رحمان قلی‌زاده، علی توسلی و محمدباقر ذاکری. مجاهدین انقلاب اسلامی از ارایه لیست جداگانه خودداری کرده و اعلام کرده‌اند که لیست نایی را که حاصل توافق گروه‌های دوم خرداد خواهد بود، مورد پشتیبانی قرار خواهند داد. دفتر تحکیم وحدت نیز هنوز لیستی ارایه ندهاده است. [ ]

## علی فلاحیان را دستگیر کنید، او باید پاسخگو باشد!

ادامه از صفحه اول  
مشخص است.  
آن‌که بر در می‌کوبد شباهنگام  
به کشتن چراغ آمده است  
کیست که ندانند انگیزه  
شب‌پرستان در خاموش کردن  
شعله‌های پرفروغی چون محمد  
مختاری و محمدجعفر پوینده چه  
بوده است؟

امامی که مدت ۸ سال معاونت  
وزارت اطلاعات را برعهده  
داشته است، پشتش به جایی گرم  
نبوده است؟ آن پشتوانه چه کسی  
بوده است؟  
خانم پوینده در پایان مصاحبه  
خود با روزنامه خرداد افزود: ما  
خود را روزنامه خرداد افزود: ما  
در آستانه تدارک مراسم  
«سالگرد»، هستیم. یعنی نزدیک  
به یک سال است که چنگال  
خون‌چکان سیاهی، پیکر عزیزان  
ما را در خاک مدفون کرده است.  
وای که در این مدت چه  
مراتر با ما کشیده‌ایم و چه ساعات  
پرآوردی را تاب آوردیم. اما  
تاب این رنج‌ها ما را در برخورد  
جدی برای خشکاندن ریشه‌های  
ترور آزادخواهان مصمم تر کرده  
است. آیا می‌شود بی تفاوت بود؟  
دل‌های ما نه فقط به قصاص  
قاتلان که به خشکاندن ریشه  
این جنایات خرسند خواهد شد.

### پرستور فروهر: حق مردم ایران است که در جریان قرار بگیرند

خانم پرستور فروهر، دختر  
پروانه و داریوش فروهر در  
همین زمینه به روزنامه خرداد  
گفت: یک سال می‌گذرد و ما  
همچنان وکیل ما حق دیدن  
پرونده را نداریم و به گفته  
خودش حتی شماره پرونده را  
نمی‌داند. وی افزود: سه روز بعد  
از وقوع قتل پدر و مادر که به  
ایران آمد، در دفتر قاضی اول  
پرونده از من سؤال شد که آیا  
مطلبی دارید که بتواند به فاش  
شدن ماجرا کمک کند. من کتبا  
نوشتم که منزل پدر و مادر من در  
طول شبانه‌روز به صورت  
صوتی و تصویری تحت کنترل  
وزارت اطلاعات بوده است و  
باید از این منبع برای پیدا کردن  
سرخ استفاده شود. اما این تنها  
باری بود که از ما سؤال شد.  
خانم فروهر تاکید کرد: ما  
خواستار محاکمه علنی هستیم و  
حق مردم ایران می‌دانیم که در  
جریان تمام ماجرا و حقیقت قرار  
بگیرند. پرونده از سوی  
مسئولان، پرونده‌ای ملی اعلام

خانم پوینده افزود: تا کی باید  
مراقب بود که «روند رسیدگی»  
مشدوش نشود، باید به قضیه  
صادقانه نگاه کرد، یک سال  
می‌گذرد، ما حتی نمی‌دانیم باید  
از چه کسانی کفایت کنیم!  
صفا پوینده در پایان گفت: ما  
خواهان محاکمه علنی همه  
مجرمان، یعنی عاملان و اسرمان  
قتل‌ها هستیم. تلقی ما این است  
که اگر سعید امامی ۸ سال در مقام  
معاونت امنیتی دست به اقدامات  
مختلف زده، پشتش به جایی گرم  
نبوده است. او خودکشی کرده،  
اعترافات شرمناک  
دستگیری‌اش که نمره، آن را در  
اختیار عموم قرار دهند، بگویند  
۲۳ نفر دستگیرشدگان چه شدند؟  
ما خواهان معرفی ۲۳ نفر و  
محاکمه علنی آنان هستیم. ما  
خانواده‌های داغدارانی که  
عزیزان‌شان توسط قاتلان  
قتل‌های زنجیره‌ای به شهادت  
رسیده‌اند، همچون تمامی مردم  
آگاه ایران، بار دیگر از مسئولان  
قوه قضاییه جدا می‌خواهیم که  
صادقانه مردم را در جریان دقیق  
مساجرا و ریشه‌های آن قرار  
دهند. در آستانه سالگرد این  
عزیزان این حق ماست که  
بدانیم عزیزان ما به چه جرمی، با  
دستان چه کسانی به قتل  
رسیده‌اند.

صفا پوینده خواهان  
پاسخگویی علی فلاحیان شد و  
گفت: این همه تعلل و تردید  
مسئولان در بر ملا کردن حقیقت  
درباره قتل‌ها چیست؟ ما بارها  
گفتیم علی فلاحیان باید احضار  
شود، سعید امامی معاون او بوده  
چه کسی در قبایل پرونده  
پاسخگوست؟ آیا واقعا سعید

شده، بنابراین آحاد مردم حق  
دارند بدانند چه اتفاقی افتاده  
است.

### خانم شریف: قاتلان باید رسوا شوند

خانم شریف، خاله مجید  
شریف یکی دیگر از قربانیان  
قتل‌های زنجیره‌ای به خبرنگار  
روزنامه خرداد گفت: اما این  
قاتلان انگشت روی افرادی  
می‌گذارند که می‌دانند، چیزی  
می‌فهمند. وی افزود: ما روز و  
شب دعا می‌کنیم که قاتلان مجید  
(شریف) و بقیه قربانیان قتل‌های  
زنجیره‌ای رسوا شوند. وی  
افزود: مجید از سال ۷۴ که به  
ایران بازگشت، همواره تحت نظر  
بود و از سوی مأموران مورد  
بازخواست قرار می‌گرفت.  
همچنین تا آنجا که من اطلاع  
دارم، در یک نوبت از سوی  
مأموران به یک هتل دعوت و  
مورد بازجویی قرار گرفته و  
حتی به او گفته بودند: «تو را  
زندانی نمی‌کنیم که مشهور  
بشوی، بلکه به نحوی سرت را  
زیر آب می‌کنیم که هیچکس  
متوجه نشود».

### سیاوش مختاری:

تفکر حذر را باید ریشه کن کرد  
سیاوش مختاری فرزند محمد  
مختاری در باره فعالیت‌های پدر  
خود و علت به قتل رساندن او از  
سوی جنایتکاران گفت: پدرم در  
کنار کار اصلی خود که سرودن  
شعر و تحقیق و تحلیل ادبی و  
فرهنگی بود و مثل هر انسان  
اندیشمندی که دغدغه سرنوشته  
ملتش و حقوق اسلامی آنها را  
دارد، به یک متفکر و منتقد  
اجتماعی و فرهنگی نیز تبدیل  
شد و به نقد و تحلیل موانع و  
بررسی بازدارنده‌های فرهنگی و  
اجتماعی احقاق این حقوق  
پرداخت. از آرمان‌های او تحقق  
آزادی اندیشه و بیان، بدون  
حصر و استثناء بود و یکی از  
مجرهای تحقق این آرمان را  
تشکیل نهادهای دموکراتیک  
می‌دانست. این‌ها برای قاتلاتش



روزنامه خرداد یگانه روزنامه کشور بود که همزمان با فرا رسیدن سالگرد  
قتل‌های زنجیره‌ای با شهامتی درخور تحسین به انعکاس درد و رنج  
خانواده‌های مقتولین پرداخت و خواهان دستگیری عوامل اصلی جنایت  
شد. خرداد نوشت: با گذشت یک سال از تشکیل پرونده قتل‌های  
زنجیره‌ای که محفلی جنایتکار آن را رهبری و هدایت می‌کرد،  
خانواده‌های مقتولان در تدارک مراسم بزرگداشت عزیزان از  
دست‌رفته‌های هستند که آزادی، مردم‌سالاری و دفاع از حقوق  
شهروندی، دغدغه‌های اصلی آنان بود.

کافی بود که وجود او و امثال او  
را مزاح اهداف‌شان بدانند.  
اهدافی که طی سال‌ها نشان داده  
که بر مبنای حذف هرگونه اندیشه  
مخالف شکل گرفته است.  
سیاوش مختاری افزود:  
سال‌ها پدرم را از بسیاری از  
حقوق مسلم شهروندی نظیر بیان  
آزادانه اندیشه‌ها و چاپ آثار و  
دستاوردهای فرهنگی‌اش محروم  
کردند. بازجویی و تهدید و  
ارعاب از سوی همین قاتلان و  
همفکرانشان، جزئی از زندگی او  
شده بود. او در موقعیتی زیست  
که خودش نام «موقعیت  
اضطراب» بر آن نهاده بود. حذف  
او را تا مرحله فیزیکی پیش  
برده و من این فاجعه را در ادامه  
همان سیاست کلی می‌دانم.

سیاوش مختاری با انتقاد از  
نحوه رسیدگی به این جنایت  
هولناک گفت: حساسیت این  
فجایع از نظر امنیت ملی و  
تأثیری که در رشد فرهنگی و  
آگاهی ملت ایران دارد، ایجاب  
می‌کند که بر عکس روند کنونی  
که شکل تزیین ذره ذره حقایق را

## اکبر گنجی: پرونده قتل‌ها در مسیر کشف حقیقت نیست!

رسیده است را دنبال کنید و از  
این راه به احتمال فراوان به شاه  
کلید خواهید رسید. گنجی با طرح  
این پرسش که چرا سیامک  
سنجری به قتل رسید، گفت: او  
روشنگر و دگراندیش نبود، ولی  
به دلایلی نامعلوم به قتل  
رسید. وی افرادی همچون  
سعید امامی و مصطفی کاظمی را  
مستمانی دانست که توسط  
تاریک‌خانه اشباح هدایت  
می‌شدند.

### علوی تبار: سعید امامی نفر هفتم است

علیرضا علوی تبار از دیگر  
روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب  
کشور نیز گفت: در پرونده  
قتل‌های زنجیره‌ای، افرادی در  
طراحی و برنامه‌ریزی قتل‌ها، بر  
سعید امامی و مصطفی کاظمی  
مقدم هستند. علوی تبار که عضو  
شورای سردبیری روزنامه صبح  
امروز است، افزود: سعید امامی  
نفر هفتم پرونده و مصطفی  
کاظمی نفر هشتم پرونده است.  
وی گفت: آن‌طور که گفته  
می‌شود پیوستن و نقش کاظمی  
در این ماجرا، در چهار قتل سال  
۷۷ بوده اما در قتل‌هایی که گفته  
می‌شود قبل از آن رخ داده، افراد  
دیگری نقش داشته‌اند.  
علوی تبار گفت: نقش فعال‌تر  
پرونده قتل‌ها را گفته می‌شود که  
کسی که نام مستعار «صادق»  
بوده، به‌عهده داشته که در  
قتل‌های دیگری هم دست داشته  
است. وی با بیان این‌که «گفته  
می‌شود مصطفی کاظمی خیلی  
راحت به فسادهای خودش

مسئولیت بیشتری دارند. عبیدی  
تاکید کرد: تا پرونده قتل‌های  
زنجیره‌ای یقه بزرگتری این  
باند را نگیرد، پی‌گیری این  
پرونده ناقص است. افراد  
مهم‌تری از سعید امامی در قتل‌ها  
دست داشته‌اند.

### اکبر گنجی: در مسیر حقیقت نیست!

اکبر گنجی هشدار داد که  
پرونده قتل‌ها در مسیر کشف  
حقیقت سیر نمی‌کند. گنجی گفت:  
هیچ تحلیل و تبیینی از قتل‌های  
زنجیره‌ای که محدود به تحلیل  
چهار قتل آذرماه ۷۷ باشد، خطی  
از حقیقت نمی‌برد. وی تاکید کرد:  
هر تبیینی برای اینکه به حقیقت  
نزدیک شود باید کلیه قتل‌های  
ماقبل دوم خرداد را نیز دربر  
بگیرد، به عنوان مثال، قتل  
کشیش‌های مسیحی توسط  
تاریک‌خانه اشباح یا چه اهدافی  
صورت گرفت؟ آیا می‌توان افراد  
رده دومی چون سعید امامی و  
کاظمی (موسوی) را مستمان  
ردیف اول این قتل‌ها به حساب  
آورد، یا باید گفت آنها با حکم  
عسلی جنابان خاکستری،  
روشنگران و دگرپاشان را به  
قتل می‌رسانند؟ گنجی افزود:  
تاکنون بارها بر این نکته تاکید  
کرده‌ام که تنها راه پیشرفت در  
پرونده قتل‌ها، دستگیری «شاه  
کلید» تاریک‌خانه اشباح است.  
وی گفت: برای کشف و شناسایی  
شاه‌کلید مسن یک راه ساده  
پیشنهاد می‌کنم. پرونده قتل  
سیامک سنجری که در اواخر سال  
۱۳۷۵ با ضربات چاقو به قتل

در حالی که سازمان قضایی  
نیروهای مسلح با انتشار  
اطلاعاتی در آستانه سالگرد  
قتل‌های زنجیره‌ای می‌کوشد خود  
را فعال نشان داده و از «سرعت»  
در پیگیری پرونده خبر می‌دهد،  
روزنامه‌نگاران و محافل مطبوع،  
به این اقدامات با دیدنه تردید  
می‌نگرند و معتقدند پرونده  
قتل‌ها از مسیر کشف حقیقت  
خارج شده است و آن‌چه مشاهده  
می‌شود، همواره از سعید امامی  
به پایین راه هدف گرفته و  
تحقیقات اساسا متوجه عوامل  
اصلی نشده است.

### عباس عبیدی: یقه بزرگ‌تر از سعید امامی‌ها را ببندید!

عباس عبیدی عضو شورای  
مرکزی جبهه مشارکت ایران  
اسلامی در واکنش به اطلاعاتی  
جدید قوه قضاییه به روزنامه  
خرداد گفت: رسیدن به آن  
چیزهایی که سازمان قضایی  
اعلام می‌کند، خیلی احتیاج به  
کارهای قضایی پیچیده نداشت.  
از همان ابتدا کاملا مشخص بود  
که سرخ این قتل‌ها در داخل  
است، اما برخی ادرس غلط  
می‌دادند. وی درباره گروه  
فداییان اسلام ناب محمدی  
اظهار داشت: این‌ها از باند سعید  
امامی به پایین هستند و ممکن  
است این باند هم دست‌های در  
رده بالاتر داشته باشد. عبیدی  
تاکید کرد: اصلی‌ترین بخش  
قتل‌های زنجیره‌ای، آن‌هایی  
نیستند که چاقو زدن و کشتن،  
آن‌هایی هستند که قضایی  
تبلیغاتی این کارها و اقدام‌ها را  
ایجاد کردند... عوامل اصلی  
آن‌هایی هستند که خوشحالی  
خود را از قتل داریوش فروهر و  
همسرش، پنهان نکردند، این‌ها

## سکوت را بشکنید!

● چرا پس از ۴ سال، سکوت شخصیت‌ها و نشریات آزادیخواه داخل  
کشور در مورد ربودن و مخفیانه به بند کشیدن علی توسلی ادامه دارد؟

از زمان ربودن علی توسلی بیش از ۴ سال می‌گذرد. وی که پس  
از انقلاب تا سال ۶۸ در رهبری سازمان ما، حضور داشت و پس از  
سال ۶۸ از سازمان و فعالیت سیاسی کناره گرفته بود، توسط  
عوامل وزارت اطلاعات در تاریخ ۵ مهرماه ۱۳۷۴ از شهر باکو در  
آذربایجان ربوده و به ایران انتقال داده شد. علی توسلی بلافاصله  
در زندان‌های مخفی وزارت اطلاعات تحت فشار و بازجویی قرار  
گرفت. علیرغم اعتراضات بین‌المللی و پی‌گیری‌های مجامع و  
سازمان‌های مدافع حقوق بشر، مقامات جمهوری اسلامی از دادن  
هرگونه اطلاعی در مورد سرنوش و وضعیت وی و پذیرش  
مسئولیت در قبال این آدم‌ربایی خودداری کردند. در تمام چند  
سال گذشته سکوت سنگین و سنگینی در مورد وضعیت علی  
توسلی ادامه داشت و به جز شواهد و نشانه‌های پراکنده‌ای که حاکی  
از زیر فشار و در بند بودن توسلی بود، خبری انتشار نیافت. در  
یکی دو ساله اخیر و بویژه به دنبال قتل‌های زنجیره‌ای سال گذشته  
میلیون‌ها چشم وزارت اطلاعات و جنایت‌های دور و نزدیک  
مأمورین آن را زیر نظر گرفتند. نشریات منتقد و افشاگر و  
شخصیت‌های اصلاح‌طلب، هر یک به شکلی و در حدی، به  
بازجویی توطئه‌ها و قتل‌هایی پرداختند که دگراندیشان آساج آن  
بودند و مأمورین نهادهای و سازمان‌های حکومتی عاملین آن  
بتدریج سکوت در مورد بسیاری جنایت دو سه ساله گذشته  
شکسته و در تازه‌ترین مورد آن آقای عبدالله نوری در دادگاه  
برده از ده‌ها مورد قتل و جنایت برداشت و خواهان پی‌گیری و افشا  
عاملین آن شد.

عبدالله نوری به درستی گفت با وجود مطبوعات آزاد دیگر هیچ  
کس نمی‌تواند ایمن باشد که دست به جنایتی بزند و در  
مخفی ماندن جنایت خاطری آسوده داشته باشد. اکنون سؤال  
اینجاست مگر آدم‌ربایی و سالیانه مخفیانه زندانی کردن یک انسان  
یک جنایت بزرگ نیست؟ و مگر جان علی توسلی که همچنان  
زندانی بودنش مخفی نگه داشته می‌شود در خطر نیست؟ چرا  
نشریات منتقد و اصلاح‌طلبان ایران تاکنون در این زمینه سکوت  
کرده و به وظیفه انسانی و دموکراتیک خود عمل نکرده‌اند. افشا  
این آدم‌ربایی جنایتبار و وضعیت کنونی علی توسلی یک وظیفه  
فوری، انسانی، وجدانی و آزادیخواهانه است. ما بویژه و مصرا از  
همه نشریات آزادیخواه و حقیقت‌گو می‌خواهیم سنت سکوت در  
پرر این آدم‌ربایی آشکار و جنایت رسوا را بشکنند و با بازتاب  
آنچه که بر علی توسلی گذشته است بر پوشیدن مانده این جنایت  
نقطه پایان گذارند و صریحا آزادی فوری علی توسلی و معرفی  
عاملین این آدم‌ربایی را خواستار شوند.

## قتل فبیج آقای حسین فتاپور نباید با سکوت همراه گردد

قتل بیرحمانه و برنامه‌ریزی شده آقای حسین فتاپور  
(سیگاری) توسط دو قاتل حرفه‌ای، از سوی بخش وسیعی از  
محافل سیاسی کشور یک قتل سیاسی و انتقامجویانه شناخته  
میشود که هرگونه کم‌توجهی در پیگیری علل و تعقیب عوامل آن  
می‌تواند باعث حوادث دردناک دیگری شود. آقای فتاپور اگر چه  
خود در سیاست فرد فعالی نبود اما می‌توانست برای انتقامجویان  
هدف مهمی باشد. حاج حسین یک بازاری سرشناس و محترم و  
معتبر بود که همه بازاریان وی را می‌شناختند و به او احترام  
می‌گذاشتند. اولین تأثیر اجتماعی این قتل بیرحمانه ناامن نمودن  
محیط فعالیت برای این بازاریان بود. روشن است که ایجاد ناامنی،  
همانگونه که حوادث دانشگاه هم نشان میدهد، هدفی است که  
سرکوبگران جناح افراطی از همان آغاز روی کار آمدن دولت  
خاتمی در پی آن بوده‌اند.

تقارن زمانی قتل دهم‌نشانه آقای فتاپور با یکمین سال قتل‌های  
زنجیره‌ای و سفر آقای خاتمی به فرانسه، وقوع این قتل در آستانه  
انتخابات مجلس ششم، به هنگام تهاجم راست به مطبوعات و  
تلاش آن برای زدودن نامزدهای سرشناس اصلاح طلب از میدان  
انتخابات، هرچه بیشتر ظن سیاسی بودن این قتل را تقویت می‌کند.  
این قتل هنگامی صورت گرفته است که باند‌های تبهکار و آدمکش  
کماکان مردم و مسئولین دولتی اصلاح‌طلب را تهدید به اقدامات  
خونین می‌کنند. این قتل هنگامی صورت گرفته است که هزینه  
اقدامات تروریستی گروه‌های فشار افزایش یافته است و نتیجتاً  
بآور عمومی است که این قتل نمی‌تواند از توطئه‌های انتقامجویان  
جدا باشد و یک تبهکاری در چارچوب همان تبهکاری‌هایی است  
که سرکوبگران تاکنون بدان‌ها دست زده‌اند.

فدائیان خلق ایران با تأثر بسیار از این حادثه دلخراش از دولت  
آقای خاتمی می‌خواهند که در این باره سکوت را بشکنند و برای  
پیگیری حادثه و کفر عاملین اقدام کند. ما خواهان انتشار اسناد  
مربوط به این تبهکاری هستیم.

## سازمان قضایی نیروهای مسلح اعلام کرد:

### فدائیان ناب‌محمدی، بقایای باند سعید امامی هستند

نیروهای مسلح اعلام کرده است  
که آن‌ها در یک انفجار در مشهد  
نیز شرکت داشته‌اند. در این  
انفجار دو نفر از هموطنانمان  
کشته شدند.

اعترافات سعید امامی بخش می‌شود  
سازمان قضایی نیروهای مسلح  
همچنین در آستانه نخستین  
سالگرد قتل‌های زنجیره‌ای اعلام  
کرد بخشی از اعترافات سعید  
اسلامی و مصطفی کاظمی را از  
تلویزیون پخش خواهد کرد.

سازمان قضایی نیروهای  
مسلح با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام  
کرد گروه موسوم به فدائیان ناب  
محمدی، بقایای گروه سعید  
اسلامی هستند. این گروه در  
تابستان گذشته با صدور  
اطلاعیه‌هایی بسیاری از  
مخالفین و از جمله  
روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب را  
محکوم به مرگ دانسته و تهدید  
کرده بودند که آنان را به قتل  
خواهند رساند. سازمان قضایی

اولین و مهم‌ترین نقدی که بر روند پیگیری این پرونده وجود دارد،  
اطلاع‌رسانی ناقص و قطره‌چکانی است که مسئولان این پرونده تاکنون  
داشته‌اند. جبهه مشارکت اسلامی نوشته است: خواسته اصلی ما این  
است که چنانچه در طول سلسله مراتب انجام قتل‌ها، عناصری هستند که  
باید به سراغشان رفت، مسئولان پیگیری پرونده بدون هیچ ملاحظه‌ای  
باید آنان را مواخذه نمایند. هیچ درنگ و تعللی از سوی دستگاه قضایی  
در این زمینه جایز و پذیرفتنی نیست، چرا که هرگونه امهال و تسویف  
سبب تجری آمران و طراحان اصلی، از بین بردن آثار جرم، تبانی و  
زدوبنده‌های پشت پرده و فرار از چنگال عدالت خواهد شد. در این  
پرونده تا جایی که معنادار است باید به صورت عمودی بالا رفت  
و آمرین و مطلعین را در هر پست و مقام و در هر حصار امنیتی که واقعند  
مورد بازجویی و مواخذه قرار داد. همچنین معذم‌تقدم که محدود کردن  
این پرونده به چهار قتلی که طرف کمتر از یک ماه در پاییز سال گذشته  
صورت گرفته است، پذیرفتنی نیست. چنانچه این پرونده مورق و  
محدود به چهار قتل صورت گرفته در پاییز سال پیش شود به اعتقاد ما  
«اول و آخر این کینه‌کتاب افتاده است» و اگر قاضی منصفی بخواهد  
قضاوت عادلانه و حقیقت‌جویانه‌ای نماید باید تمام ابعاد این پرونده در  
ادامه در صفحه ۹

## دو صد گفته چون نیم کردار نیست

بشریت مترقی سده‌هاست که معیار وجود و تعمیق آزادی در یک جامعه را آزادی مخالفان نظام حاکم بر آن جامعه و دگراندیشان می‌داند. روشنفکران ایرانی نیز همواره بر درستی این برداشت از آزادی پای فشرده‌اند. اما در فرهنگ حاکمان پر کشور، واژه‌ی «آزادی» همیشه همراه با عبارات محدود کننده آن آمده و به کار گرفته شده است. تنها در یکی دو سال اخیر است که گاه خاتمی و معدودی از هواداران او تغییر «آزادی یعنی آزادی مخالفان» را بر زبان جاری کرده‌اند. آخرین نمونه آن هم گفته مهاجرانی وزیر ارشاد جمهوری اسلامی در سه‌شنبه گذشته در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران بود. او گفت: «اسلام بنیاد بر این نیست که مردم را به زور به بهشت ببرد، چنین چیزی نیست، بنابراین مخالف را باید پذیرفت، شیوه‌ای که حکومت دینی با مخالفین خودش دارد بسیار مهم است. باید آزادی را با میزان آزادی مخالفان سنجید».

ایراد سخنانی این‌گونه در سال‌های اخیر البته که فی‌نفسه تحول مثبتی است اما دریغ‌ها که با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی‌شود و کردار خاتمی و همکاران نزدیکش با چنین گفتارهایی تاکنون تطابق نشان نداده است.

در آستانه انتخاباتی که تحرک وسیعی را در جامعه پدید آورده و تمام نیروهای مذهبی از دو جناح عمده حکومتی گرفته تا روشنفکران دینی و فعالان ملی و مذهبی را به فعالیت گسترده کشانده است، نیروهای سیاسی غیرمذهبی و لائیک از نیروهای چپ و دموکرات و آزادی‌خواه گرفته تا ملی، کماکان در محاق زندان و تبعید به سر می‌برند و حتی تعداد زندانیان سیاسی در ماه‌های اخیر افزایش یافته که طبعاً با شعار «آزادی یعنی آزادی مخالفان» همخوانی ندارد. اگر گویندگان شعارها به آن اعتقاد دارند، باید قاعدتاً عاجزترین اقداماتشان در راستای تحقق بخشیدن به شعار فوق، آزادی زندانیان سیاسی و تأمین شرایط بازگشت آزادانه ایرانیان خارج از کشور به میهن و تأمین شرایط فعالیت آزادانه احزاب سیاسی باشد. بدون چنین اقداماتی، اظهار سخنانی از این دست در مورد آزادی اگر به قصد عوام‌فریبی صورت نگرفته باشد، تنها نشان‌دهنده آن است که گویندگان این سخنان هنوز درک عمیقی از تعبیر گره‌برداری شده‌ی خود از آزادی را ندارند و آزادی مخالفان را عجلتاً جدا کرده‌اند که تنها اندکی تفاوت مواضع با ایشان دارند، پذیرا هستند.

در هر حال جامعه ملت‌محوب ما آزادی همه‌جانبه، همگانی و گسترده‌ای را می‌طلبد. طیف نیروهای مذهبی جامعه از راست سنتی قشری و محافظه‌کار گرفته تا روشنفکران دینی و نیروهای ملی مذهبی با وجود گستردگی، تنها بخش‌هایی از جامعه ما را نمایندگی می‌کنند. توده‌های وسیعی از مردم کشور ما خود را چپ، دموکرات، آزادی‌خواه، بشردوست و ملی می‌دانند و به مذهب به عنوان امری خصوصی که به آن اعتقاد دارند یا ندارند نگرینند، خواهان جدائی دین از حکومت هستند. ممکن است که این نیروهای عظیم در مقاطعی از این یا آن نیرو در طیف نیروهای مذهبی حمایت کنند، اما جامعه از زمانی که این بخش از آن و نیروهای سیاسی سرکوب شده آن پیوند آزادانه خود را مجدداً برقرار نکند تعادل لازم را نخواهد یافت و همواره آستان رویدادهای پیش‌بینی نشده و گاه انفجاری خواهد بود.

پر همگان روشن است که خاتمی و مهاجرانی و دیگر هم‌فکران آن‌ها، خود تحت فشار نیروهای راست حکومت‌اند و از این رو کاملاً فراغ‌بال و فراخ‌دست نیستند، اما آنان در بالاترین مقامات اجرایی مقدوراتی بیش از آنچه که به خدمت می‌گیرند در اختیار دارند.

خاتمی در برابر اعتمادی که با دادن وعده‌های انتخاباتی خود به مردم از آنان کسب کرده است مسئول است و باید با ناسامانی‌ها و مشکلاتی که محافظه‌کاران برایش پدید می‌آورند قاطعانه برخورد کند. خاتمی در این مقطع حساس هم می‌تواند تنها نظاره‌گر اتفاقاتی که در جریان انتخابات مجلس ششم روی می‌دهد باشد و هم می‌تواند به سهم خود کمک کند تا طیف‌های وسیع‌تری از مردم نمایندگان سیاسی خود را در جامعه بیابند و با آن پیوند برقرار کنند. روشن است که انتخاب راه دوم به نفع ثبات در کشور ماست. □

## در پاسخ به ادعای مقامات رژیم در مورد رفع تدریجی «حصر» آیت‌الله منتظری: اجازه نمی‌دهم اختیار ملاقات‌هایم دست دادگاه غیرقانونی ویژه روحانیت باشد

در حالی که مقامات رژیم مدعی‌اند رفع «حصر» آیت‌الله منتظری را «بسط تدریجی» آغاز کرده‌اند، نزدیکان آیت‌الله اعلام کردند که وی از پذیرش کسانی که رژیم تعیین کرده، خودداری نموده است. به گزارش روزنامه خرداد، کنترل نیروهای امنیتی از درب جنوبی منزل آیت‌الله منتظری این ملاقات‌ها را بر داشته شد و مقامات مسئول به ۱۵ نفر اجازه ملاقات با آیت‌الله منتظری دادند که محمد مومن و حسن طاهری خرم‌آبادی، هر دو از روحانیون محافظه‌کار، در زمره آن‌ها می‌باشند.

به گزارش نزدیکان آقای منتظری، وی گفته است چنانچه اجازه ملاقات بدون هیچ‌گونه محدودیتی برای او تأمین نشود، آیت‌الله منتظری گفته است

اجازه نخواهد داد مقامات رژیم به او تحمیل کنند که با چه کسانی ملاقات کند و با چه کسانی اجازه ملاقات نداشته باشد. احمد منتظری فرزند آیت‌الله منتظری به رادیو بی‌بی‌سی گفت: لیستی به ما ارائه ندادند و هیچ صحبتی از شروع درس یا ملاقات‌های دیگر نبود. ولی خود آیت‌الله منتظری این ملاقات‌ها را قبول نکردند و گفتند یا همه یا هیچ کس. یعنی ایشان قبول ندارند که اختیار ملاقات‌ها دست دادگاه غیرقانونی ویژه روحانیت باشد.

## هیات نظارت بر مطبوعات هم به صف شاکیان پیوست

در همین حال اعلام شد هیات نظارت بر مطبوعات از نشریه آوا به دلیل درج اخبار مربوط به آیت‌الله منتظری شکایت کرده

## در نخستین اقدام خود:

## هیات منصفه جدید مطبوعات مدیر مسئول «پنجشنبه‌ها» و ام‌جرم شناخت

هیات منصفه جدید مطبوعات در نخستین اقدام خود مدیران مسئول هفته‌نامه «پنجشنبه‌ها» و همچنین ماهنامه «شبکه» را مجرم شناخت. در جلسه محاکمه خانم ژاله اسکویی مسیری، پورنجاتی، لطفی، مزروعی، فاضلی، واحدی و حسینی یگانه به عنوان اعضای هیات منصفه حضور داشتند. خانم اسکویی از جمله به خاطر انتشار مقاله «روی زمین مسجد عشرتکده ساختند»، انتخاب «تیترو موهن» برای تبلیغ نمایشنامه موج، انتشار مقاله «طوفان فکری» که به جزئیات فریب دختران و

پسران جوان در آموزشگاه‌های هنرپیشگی می‌پردازد، محاکمه شد. شاکي مقاله «طوفان فکری» هیات نظارت بر مطبوعات بود که زیر نظر وزیر ارشاد فعالیت می‌کند. خانم اسکویی در دفاع از خود پیرامون این شکایت گفت: آقای سیف‌الله داد معاون سینمایی وزارت ارشاد اعلام کرده که ۵۰ آموزشگاه غیرمجاز را تعطیل کرده که این تعداد اکنون به ۱۴ رسیده است. هیات نظارت در برخی از موارد اتهامی مدیر مسئول هفته‌نامه پنجشنبه‌ها را مستحق تخفیف نیز ندانسته است.



## رییس کانون عالی شوراهای اسلامی کار:

## بیکاری موجود حاصل سیاست‌های غلط است

حسن صادقی رئیس کانون شوراهای اسلامی کار گفت: بحران بیکاری در سال‌های اخیر و بیکاری فعلی نسل جوان حاصل سیاست‌های غلط و نادرست جمعیتی و سیاست‌های اقتصادی است که توجهی به اشتغال نداشته است. به گفته وی: بی‌اعتنایی برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی به مسأله ایجاد اشتغال مناسب و کافی، موجب بیکاری فعلی شده است. در برنامه اول توسعه، هدف ایجاد اشتغال در بخش صنعت تحقق نیافت، به طوری که ۸۵ درصد اشتغال جدید، در بخش خدمات ایجاد شد. صادقی افزود: تحقق نیافتن هدف ایجاد اشتغال در برنامه اول و دوم ناشی از سیاست‌های صنعتی وارد کردن ماشین‌الات و استفاده هرچه بیشتر از ماشین‌الات به جای کارگر بوده است.

رییس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور افزود: برنامه سوم توسعه نیز همان مسیر برنامه‌های قبلی را طی می‌کند و عملاً به نیازهای جامعه در مورد اشتغال پاسخ داده نشده است. به گفته وی: اگر بخوایم به اشتغال کامل برسیم باید سالانه حدود ۱/۳ میلیون شغل جدید ایجاد کنیم. □

## اطلاعیه در مورد درگذشت دکتر نورالدین کیانوری

دانشگروری - حسین دنیاگرده‌واحد - نسرین دویر - اکبر دوستار - منوچهر رحیمی - ایسرنه رحیمیان - مسعود رحیمیان - ایرج رشیدی - بهمن رنجبر - محمود روغنی - حشمت ربیعی - علی‌رضا زارع - هرمز زمانی - حسن زهتاب - ملیحه زهتاب - ماشاالله سلیمی - توفیق سهرابی - ژیلای سیاسی - اسد شیرین‌کام - مسعود شیرین‌کام - عبدالله صداقت - فرهنگ طاولی - علیرضا طاهری - جمشید طاهری پور - بیژن طوع - داریوش مظفری - وحید عبداللهی - محمدصادق عسگری - اسد عسری - مظفرعلی عباسی - میرحمید عمرانی - علی غمگسار - نادره غنی‌اوغلی - باقر فاطمی - حمیدفام نریمان - محمد فرزانه - علی فرهادی - فریده فرید تنکابنی - حمزه فلاحی - اصیر قاسمعلی‌زاده - سرور کاتوزیان - صادق کارگر - محمد کاظمی - مازیار کاکوان - محمود کرد - عبدالله کردپور - کریم بهزاد کریمی - کمالی - سعید کوشک‌جلالی - بهرام گیلکی - امیرعلی لاهرودی - حسن ماورانی - علی مجوبی - ملیحه محمدی - عطالله مخیردوران - سیروس مددی - گلرادی - اذر بهروز مطلب‌زاده - اذر معتقدی (میزانی) - رامین معلم - فریده مقدم - احمد مقصدلو - منوچهر مقصدلو - مهرداد ملکی - علی مهدی‌پور - رسول مهدی‌زاده - مسعود میرانشاد - جعفر ناصرغرابی - رضا نافی - حسین نعمتی - مهدی نفری - فرخ نگهدار - علی واحدی - طهماسب وزیری - مرتضی هاشمیان - کسوه هامونی - سیدعلیرضا یکتا. □

گروهی از فعالین چپ ایران، با انتشار اطلاعیه‌ای درگذشت نورالدین کیانوری را به همسر و هم‌زمان او تسلیت گفته و وی را از قربانیان ستم استبداد نامیدند. متن این اطلاعیه را در زیر می‌خوانید:

دکتر نورالدین کیانوری، شخصیت برجسته حزب توده ایران و یکی از مبارزان پیگیر و نامدار تاریخ معاصر در میهن خود غریبانه درگذشت. ما تأثر عمیق خود را از فقدان این مبارز خستگی‌ناپذیر اعلام داشته و این سوگ را به خانواده کیانوری بویژه همسر و هم‌زرم وفادار ایشان سرکار خانم مریم فیروز تسلیت می‌گوییم. یاد و خاطره کیانوری که به دلیل پایبندی به ایده‌ها و باورهای خود تحت شکنجه و آزار دژخیمان قرار گرفته و سرانجام به مجموعه قربانیان ستم استبداد حاکم بر کشور ملحق شد، پایدار و ماندگار خواهد بود. داوود آذری - فرزانه یوسف آریانپور - علی آقامیر - یوسف ابراهیم (آرام) - ایراندخت ابراهیمی - داوود ابراهیمی - مصطفی احمدی - مرشد اخسلاقی - عبدالرحمان اسماعیل‌پور - محمد اسمعی - احمد اشرف - هوشیار اسامی - کامران امینی - محسن امینی - مهین اندامی - صادق انصاری - محرم ایمان - دانش باقرپور - محمدطاهر برون - برزو بقایی - ناصر بنایی - اسد ترابی - حسین تقوی - ماشاالله جاسمی - رسول جباری - اردشیر جم‌نشان - ذبیح‌الله حجت‌نژاد - جلیل حسینی - طاهر حشمت - احترام حیدریان - علیرضا خاکپور - بیژن خسروانسی - رقیه

## نامه‌ها و مقالات رسیده

پیمان نعمتی - فمینیسم اسلامی گره‌گاه تبیین جنبش زنان در ایران  
الف. سیامک - نامه به هیات تحریریه «کار»  
میرصادق غفار حسینی حضور علنی تشکلهای سیاسی تنها راه تداوم جنبش مسالمت‌جویانه است  
فرامرز دادور - نگاهی به تجربه جنبش چپ  
علی اکبر - اکثریت ضعیف، اقلیت قوی!  
ر. شوقی - ترجمه «شب کریسمس» را هرگز فراموش نکنیم  
ام. ضمن تشکر از این همکاران عزیز، مقالات و نامه‌های آن‌ها را در نخستین فرصت منتشر خواهیم کرد.

## آینده امیدبخش با توجه یک گذشته سیاه ممکن نیست

یک اظهار نظر بود؟ طبق منطق خمینی که بهزاد نبوی هنوز هم از آن دفاع می‌کند، رای منفی به هر قانونی کافی است تا فر را از حقوق مندرج در آن قانون محروم کند. کجای این شیوه دمکراتیک است؟

در مصاحبه بهزاد نبوی، به اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی انقلاب در اوایل سال ۱۳۶۰ اشاره شده است و آمده است نیروهایی که این اطلاعیه را پذیرفتند، توانستند به فعالیت خود ادامه دهند. این ادعا نیز نادرست است. سازمان ما، فعالیت در چارچوب اطلاعیه مزبور را پذیرفت، پس بنا به درخواست مقامات، رفیق رضا غرابی به عنوان مسئول نشریه پاسخ این ادعا، باید یادآور شد که به موجب همان قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، خمینی عالی‌ترین مقام حکومتی بود. چگونه می‌توان پذیرفت که محروم کردن مسعود رجوی از کاندیداتوری از سوی خمینی، امری صرفاً «ارشادی» و تنها

کوشیده است چنین وانمود کند که عملکرد اپوزیسیون به سرکوب خوین دهه ۶۰ انجامید. آقای نبوی گفته است: «تا خرداد ۱۳۶۰ کلیه احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف بدون هیچ مانع قانونی در کشور فعالیت می‌کردند». شمار بسیار فدائیان و اعضای سایر احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون که از ۱۳۵۸ تا خرداد ۱۳۶۰ به جوخه اعدام سپرده شدند، به زندان جمهوری اسلامی رفتند یا قربانی حملات گروه‌های فشار مورد حمایت حکومت گردیدند، نادرستی این ادعای آقای نبوی را اثبات می‌کند. به نظر می‌رسد خود آقای نبوی در حین مصاحبه متوجه شده است که این ادعایش تا چه حد پوچ است، چرا که بلافاصله می‌کوشد توفیق روزنامه‌های آستاندگان در همان تابستان اول پس از انقلاب را نه ناشی از دستور خمینی، که واکنش مراجع قضایی وقت در قبال «اعتراضات مردمی» جلوه دهد. آنچه نبوی «اعتراضات

دمکراسی، مستتر حداقل اعتماد متقابل میان نیروهای سیاسی و کسب اطمینان از این است که هیچ یک از احزاب و سازمان‌های سیاسی در صورت رسیدن به قدرت، حقوق اپوزیسیون را نقض نخواهند کرد. ما به عنوان نیرویی که در طول تاریخ خود، درک خود را از دمکراسی تدقیق و تکامل بخشیده‌ایم، این حق را برای سایر نیروهای سیاسی قائلیم که همین روند را طی کنند و با تصحیح خطاها و احیای عملکردهای غیردمکراتیک گذشته، پایبندی خود را به اصول دمکراسی به اثبات برسانند. از این رو، بر آن نستیم که کارنامه منفی یک نیروی سیاسی در هر حال راه را برای حضور آن در رقابت دمکراتیک احزاب در یک نظام کثرت‌گرا می‌بندد. هر کس که آزادی دیگران را بپذیرد، دارای حق برابر در یک جامعه دمکراتیک است.

در عین حال، نبوی که یک بار در قدرت، کارنامه‌ای سیاه داشته و حقوق اپوزیسیون را لگدمال کرده است، برای جلب مجدد اعتماد مردم و سایر نیروهای سیاسی باید گذشته خود عصر مبارزان این سازمان،

عنوان عضو کابینه در آن سال‌های سیاه را بپذیرد، حقیقت را کتمان می‌کند. خلاف ادعای بهزاد نبوی، آنچه موجب سرکوب گروه‌های سیاسی شد، روی آوردن این گروه‌ها به مشی «براندازی» نبود. رهبران جمهوری اسلامی از ابتدا قصد تحمل نیروهای مخالف را نداشتند، چرا که نمی‌خواستند در یک رقابت دمکراتیک با اپوزیسیون شرکت کنند و احیاناً زمانی قدرت را از دست بدهند. آزادی‌های نسبی پلافاصله پس از انقلاب که تمه آن تا خرداد ۶۰ ادامه داشت، نه نشانه حسن نیت، که ناشی از تثبیت شدن حکومت بود. جمهوری اسلامی قادر نبود از همان ابتدا همه نیروهای مخالف را سرکوب کند. از این رو یک به یک به سراغ آنان رفت و بالاخره با سرکوب همه آنان، استبداد مطلق را برقرار کرد. تا وقتی امثال بهزاد نبوی، به این گونه تحریف تاریخ ادامه می‌دهند، هیچ اطمینانی به پایبندی آنان به دمکراسی و حقوق بشر به وجود نخواهد تکان بخورد و مسئولیت خود به

دستگیر و شمار زیادی از آنان به جوخه اعدام سپرده شدند. کار در زمانی که از حکومت و قانون اساسی دفاع می‌کرد، در زمستان ۱۳۶۰ توقیف شد. فعالیت سازمان ما تا سال ۱۳۶۲ را با هیچ معیاری نمی‌توان فعالیت آزاد نامید. سرکوب گسترده سازمان از ۱۳۶۲ نیز بدون هیچ معیار و دستاویز قانونی صورت گرفت و هنوز ادامه دارد. از آن هنگام تا کنون، هزاران عضو و هوادار سازمان ما بدون اینکه علیه جمهوری اسلامی مبارزه مسلحانه کرده باشند به زندان افتادند یا برای نجات جان خود، ناچار به مهاجرت شدند. آمار اعضا و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (کثرت) که از سال ۱۳۶۲ بدین سو اعدام شده‌اند، سه‌رقمی است. اگر به این رفا، اعضا و هواداران سایر سازمان‌ها و احزاب سیاسی را که بدون کوچکترین دخالت در مبارزه مسلحانه، توسط جمهوری اسلامی تیرباران شده یا به دار آویخته شده‌اند، بیافزاییم، این آمار سر به هزاران می‌زند. آقای نبوی به جای اینکه از این آمار، موج وسیع سرکوب سازمان ما در سال ۱۳۶۲، صدها فدائی

## اسناد و مقالات پیشنهادی به کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### توضیح کمیسیون اسناد

می‌خواهد نظرات و پیشنهادات خود را پیرامون اسناد منتشره در کار برای کمیسیون ارسال دارند. در این راستا بویژه نظر خود را در مورد سیمای سیاسی، ارزیابی از جنبش آزادیخواهی و اصلاح‌طلبی در ایران و سیاست در قبال اصلاح‌طلبان حکومتی و برنامه عمل سازمان، بیان دارند. این نظرات در کار به چاپ خواهد رسید.

۲۹ آبان ۱۳۷۸ - ۲۰ نوامبر ۱۹۹۹

د جهان و جایگاه ما، به کمیسیون ارائه شده است که همزمان انتشار می‌یابد. اسناد دیگری که تا تاریخ ۲۰ دسامبر ۹۹ جهت ارائه به کنگره ششم سازمان، به کمیسیون اسناد ارائه شوند در صورت تمایل نویسنده و یا نویسندگان در نشریه کار منتشر شده و به کنگره ارائه خواهند شد. کمیسیون اسناد از همه صاحبان نظران و علاقه‌مندان، اعضای شورای مرکزی و همه اعضا و هواداران سازمان

عبدالرحیم‌پور و بهزاد کریمی و دیگری را رفقا رضا جوشنی و فرخ نگهدار امضا کرده‌اند. همچنین سند دیگری از سوی رفیق امیر مبینی جهت انتشار ارائه شده است. این اسناد اینک از نظر علاقه‌مندان به مباحث کنگره سازمان می‌گذرد و همزمان، کمیسیون اسناد در اولین نشست خود سند مبنای کار کمیسیون را جهت تدقیق و تکمیل و آماده کردن آن برای ارائه به کنگره ششم سازمان تعیین خواهد کرد. از سوی رفقا ماشالله سلیمی و حشمت ربیعی نیز مطلبی تحت عنوان

که اعضای آن عبارتند از رفقا: فریدون احمدی، سعید عبدالرحیم‌پور، بهزاد کریمی، امیر مبینی و فرخ نگهدار بر اساس رای تمایل اکثریت اعضا مقرر داشت ارائه دهندگان سه سند به همراه مدافعین هر یک از این اسنادها در کمیسیون، تا تاریخ معینی اسناد را تدقیق و در صورت امکان واحد کرده و جهت انتشار و سپس تعیین سند مبنای کمیسیون ارائه دهند. حاصل کار دو سندی شده است که یکی از آنها را از اعضای کمیسیون رفقا فریدون احمدی، سعید

کمیسیون اسناد منتخب شورای مرکزی سازمان که وظیفه تهیه و ارائه اسناد به کنگره ششم و نیز سازماندهی مباحث مربوط به دستور کار کنگره را بر عهده دارد، در اجلاس ۶ اکتبر ۱۹۹۹ خود، چهار سند ارائه شده به کمیسیون را مورد بحث و بررسی قرار داد. این چهار سند از سوی رفقا رضا جوشنی، بهروز خلیق، بهزاد کریمی و سهراب مبشری ارائه شده بودند. کمیسیون سه سند از چهار سند دریاقتی را دارای سمت عمومی سیاسی واحد ارزیابی کرد، کمیسیون

## اهداف سیاسی، مواضع، سیاست‌ها و برنامه عمل سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

می‌کنند و می‌کوشند با این فعالیت، به تحقق خواست‌های بنیادین سازمان باری رسانند. سازمان ضمن این که حق مبارزه برای قانون اساسی دموکراتیک را بر سرای خود محفوظ می‌دارد، برای دستیابی به حق فعالیت علنی و آزادانه خود در ایران به اشکال گوناگون مانند بسیج افکار عمومی داخلی و بین‌المللی، طرح خواست از مسئولین دولتی و همکاری با سایر نیروهای سیاسی دموکراتیک می‌کوشد.

سازمان برای پیشبرد دیالوگ با نیروهای آزادیخواه و اصلاح‌طلب اقدامات زیر را به کار می‌بندد:

- تبادل نظر با شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی کشور و به ویژه عناصر چپ و دموکرات پیرامون مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی؛ - ایجاد و گسترش ارتباط با جریان‌های سیاسی غیرحکومتی در داخل کشور به منظور تبادل نظر و حتی‌المقدور اتخاذ مواضع مشترک در قبال روندها و رویدادها؛

- برقراری ارتباط و همکاری مستمر با مطبوعات مستقل و منتقد داخل کشور به طرق گوناگون؛

- گفتگو با جریان‌های سیاسی وابسته به بخش حکومتی جنبش دوم خرداد.

سازمان دانشجویان چپ را فرا می‌خواند در فعالیت انجمن‌ها و گروه‌های دانشجویی دارای سمت دموکراتیک و اصلاح‌طلبانه شرکت کند. سازمان در جهت احیای تشکل دانشجویی پیشگام به اشکال متنوعی می‌کوشد.

سازمان سیاست بحث و گفتگو با جریان‌های چپ برای گسترش حضور سیاسی چپ در ایران را به جهت می‌گذارد.

سازمان در جهت پیوند با جنبش کارگری و ارائه راهیهای پیوند این جنبش با جنبش دموکراتیک تلاش می‌کند.

سازمان برای رساندن مواضع خود به دست عناصر و نیروهای سیاسی کشور و مطبوعات می‌کوشد.

سازمان انتشار منظم کار و شماره‌های فوق‌العاده در موارد ضروری را همچنان در دستور کار خود می‌دهد.

سازمان به رساندن کار از هر طریق به داخل کشور و حتی‌المقدور تکثیر و انتشار آن در ایران اقدام می‌کند.

سازمان همکاری هواداران و دوستداران سازمان در ایران با جریان‌های سیاسی اصلاح‌طلب و آزادیخواه در شوراهای شهرا و روستاها و در تشکل‌های دموکراتیک را تشویق می‌کند.

سازمان، مراکز خبرگیری و خبررسانی ایجاد می‌کند که وظایف آنها عبارت است از جمع‌آوری اخبار و گزارش‌ها از جنبش آزادیخواهانه مردم ایران و رساندن آن به دفتر سیاسی دائمی سازمان و متقابلاً استفاده از امکانات مختلف رسانه‌ای برای بازتاب مواضع سازمان در رسانه‌های گروهی داخل و خارج از کشور.

تشکیلات سازمان در خارج از کشور برای عملی کردن سیاست‌ها و برنامه‌های سازمان بسیج می‌گردد. همه نیروی انسانی و امکانات مبارزه سازمان در خارج از کشور در خدمت پیوند سازمان با جنبش آزادیخواهانه و اصلاح‌طلبانه در ایران قرار می‌گیرد.

فریدون احمدی - سعید عبدالرحیم‌پور - بهزاد کریمی

تعمیق آن مشارکت می‌نماید.

سازمان خواهان گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران با جهان است. سازمان از همه دولت‌های جهان می‌خواهد در مناسبات با جمهوری اسلامی رعایت حقوق بشر را شرط بهبود و گسترش روابط قرار دهند.

سازمان می‌کوشد جنبش جاری اصلاح‌طلبی در ایران در قالب احزاب و سازمان‌های سیاسی و تشکل‌های سیاسی منسجم شود. سازمان خواهان آزادی فعالیت همه احزاب و سازمان‌های سیاسی است. آزادی احزاب باید شامل حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و برابری در استفاده از امکانات عمومی مانند رسانه‌ها برای تبلیغات انتخاباتی باشد. بر مبنای این اصل و نیز خصلت غیرانتخابی شورای نگهبان، سازمان قوانین فعلی انتخابات مجلس و ریاست جمهوری را غیردموکراتیک می‌داند و برای تغییر این قوانین مبارزه می‌کند.

همکاری با سایر نیروهای اپوزیسیون منوط به میزان اشتراک آنان با سیاست‌های سازمان است. سازمان می‌کوشد مناسبات همکاری و اتحاد عمل با نیروهای چپ و دموکرات اپوزیسیون را گسترش دهد.

سازمان به طور مستمر با هرگونه برنامه و مشی سیاسی که انواع دیگری از حکومت غیردموکراتیک را برای بردای ایران تدارک ببیند، مخالفت می‌کند.

سازمان از اقدامات نیروهای اصلاح‌طلب حکومتی در جهت اهداف نامبرده در این سند استقبال و دفاع می‌کند و از عقب‌نشینی یا سازش این نیروها با نیروهای ارتجاعی علیه اهداف جنبش دوم خرداد، انتقاد می‌کند. سازمان می‌کوشد تناقض در مشی نیروهای اصلاح‌طلب حکومتی بین سیاست رفرم و پایبندی به مبنای غیردموکراتیک نظام سیاسی جمهوری اسلامی، به سود سیاست رفرم حل شود. سازمان، نیروهای اصلاح‌طلب حکومت را فرا می‌خواند که از فعالیت نیروهای سیاسی غیرحکومتی دفاع نمایند.

سازمان برای طرد و انزوی افراطی‌ترین و سرکوب‌گرترین نیروی جناح حاکم از صحنه سیاسی کشور و به حاکم کشاندن سران این نیرو مبارزه می‌کند.

سازمان ضمن تاکید بر حق مردم در نافرمانی مدنی و مقاومت در برابر قهر که از موازین شناخته شده حقوق بشر در جهان است، مبارزه خود را متوجه گسترش اعتقاد به عدم کاربرد قهر در همه نیروهای سیاسی می‌کند.

سازمان خواهان اتخاذ چنان سیاست‌های اقتصادی است که در جهت تشویق فعالیت اقتصادی در بخش‌های مولد و بالنده صنعتی، کشاورزی، خدماتی و تکنولوژیک باشد و در عین حال با استفاده از اهرم‌های مالیاتی و سوبسید، در جهت عدالت اجتماعی و افزایش قدرت خرید مردم عمل کند. اتخاذ این سیاست‌ها باید همراه با دموکراتیزه کردن حیات اقتصادی، خلع ید از انحصاراتی که در قالب نهاد و بنیادهای کنترل‌نشده و وابسته به ولایت فقیه فعالیت می‌کنند، ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری و فعالیت مولد اقتصادی برای غیروابستگان به حکومت و تضمین قانونیت در مناسبات اقتصادی جامعه باشد.

#### برنامه عمل سازمان:

#### پیوند با جنبش مردم

فعالین سازمان در هر شکل مقدور، در مبارزات جنبش جاری مردم ایران شرکت

برداشته‌اند.

#### سیاست‌های ما:

#### اصلاحات آری، ولایت فقیه نه!

قانون اساسی برای انطباق با موازین دموکراسی و حقوق بشر باید تغییر کند. اصل ولایت فقیه باید لغو شود و همه ارگان‌های سیاسی به طور مستقیم یا غیر مستقیم از سوی مردم در انتخابات آزاد برگزیده شوند و یا به ارگان‌های انتخابی پاسخگو باشند. همه شروطی که مغایر با معیارهای بین‌المللی برای حقوق بشر در قانون اساسی فعلی قید شده است باید لغو شود و اصول ناظر بر حقوق بشر به عنوان اصول تغییرناپذیر قانون اساسی اعلام شود. اصولی که مربوط به مذهب رسمی‌اند، لغو گردند و همه امور محلی باید توسط ارگان‌های انتخابی محلی اداره شود.

سازمان از مطالبات و مبارزات ترقی‌خواهانه مردم پیشینانی می‌کند. در راستای این سیاست، سازمان با تمام قوا از جنبشی که مردم ایران در دوم خرداد ۱۳۷۶ برای دستیابی به آزادی‌های فردی و سیاسی آغاز کردند، دفاع می‌کند.

سازمان می‌کوشد با طرح خواست‌های عدالت‌پژوهانه کارگران و زحمتکشان در جنبش دموکراتیک مردم ایران، پیوندهای میان این جنبش و توده‌های زحمتکش را مستحکم‌تر کند و از هر کوششی برای ایجاد اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری مستقل از حکومت دفاع می‌کند.

سازمان از هر طریق مقدور از مبارزه جنبش برابری‌طلبی زنان ایران حمایت و خواست‌های برابری زنان و مردان را در جنبش دموکراتیک مردم ایران تبلیغ و ترویج می‌کند. تلاش برای ایجاد نهادها، سازمان‌ها و انجمن‌های مستقل زنان، مورد حمایت سازمان است.

سازمان از مشارکت و فعالیت جوانان و نوجوانان در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی استقبال و حمایت می‌کند. در جنبش دانشجویی، سازمان از استقلال تشکل‌های دانشجویی، برگزاری انتخابات آزاد شوراهای مستقل نمایندگی دانشجویان و نیز از آزادی فعالیت همه گروه‌های دانشجویی اعم از مذهبی و غیرمذهبی دفاع می‌کند.

سازمان پشتیبان مبارزه روشنفکران، نویسندگان، شعرا، هنرمندان و فرهنگ‌سازان ایران برای آزادی عقیده و بیان است و برای ترویج فرهنگ مدارا و آزاداندیشی می‌کوشد. تشکل‌های مستقل صنفی نویسندگان و هنرمندان ایران و به ویژه کانون نویسندگان، مورد حمایت سازمانند.

سازمان از آزادی مطبوعات و از مطبوعات مستقل و منتقد در برابر یورش محافظه کاران و ولایت فقیه دفاع می‌کند.

سازمان از خواست‌های خودمختاری و حق تعیین سرنوشت خلقهای ایران حمایت می‌کند و مروج اتحاد داوطلبانه خلقهای ایران در چارچوب ایرانی یکپارچه، آزاد و دموکراتیک در مرزهای کنونی است. سازمان هرآنچه در توان دارد در راه تفاهم و اتحاد خلقهای ایرانی به کار می‌گیرد. سازمان می‌کوشد خواست‌های فدرالیسم و عدم تمرکز با سایر خواستهای دموکراتیک جنبش آزادیخواهانه جاری مردم ایران پیوند یابد.

سازمان مدافع جنبش جاری حفظ محیط زیست در کشور است و در جهت گسترش و

تظاهرات شجاعانه دانشجویان در تیرماه سال جاری که ارکان حکومت ولایت فقیه را به لرزه انداخت، نشان داد که جوانان و به ویژه دانشجویان، فعال‌ترین نیروی پیشبرد توسعه سیاسی در کشورند.

فعالیت فرهنگی، ادبی و هنری نویسندگان، شعرا، هنرمندان و روشنفکران مستقل کشور در اشاعه فرهنگ دموکراتیک و مبارزه علیه دیدگاه‌های ارتجاعی نقش مهمی دارد. در سال‌های اخیر، مبارزه فرهنگ‌سازان ایران علیه سانسور گسترش یافته است. نویسندگان ایران با احیای فعالیت کانون صنفی مستقل خود به موفقیتی بزرگ در این مبارزه دست یافته‌اند.

مقاومت زنان در برابر فشارهای حکومت و مبارزه آنان در راه تأمین برابری حقوق زن و مرد، در حال گسترش است.

اعتراضات کارگری در سال‌های اخیر گسترش یافته است. کارگران علیه تعطیل واحدهای تولیدی، بیکاری و اخراج‌های وسیع، برای ایجاد تشکل‌های سندیکایی، علیه به تعویق افتادن پرداخت دستمزدها، برای افزایش دستمزد و علیه تغییر قانون کار در جهت تشدید استثمار، مبارزه می‌کنند. اما هنوز جنبش اعتراضی کارگری با جنبش اصلاح‌طلبی و آزادیخواهی در ایران پیوند عمیق نخورده است.

اصلاح‌طلبان حکومتی نقش مثبتی در پیشبرد برخی رفرم‌های سیاسی و فرهنگی ایفا نموده‌اند. آنان با این حال، به علت پایبندی به ولایت فقیه، ارجح شمردن منافع حکومت اسلامی بر منافع جنبش اصلاحات، دیدگاه محدود نسبت به دموکراسی و جامعه مدنی، نتوانسته‌اند همپا با حد رشد جنبش اصلاح‌طلبانه در جامعه گام بردارند. شتاب حرکت و خواست‌های جنبش دوم خرداد، بسیار فراتر از ظرفیتی است که اصلاح‌طلبان حکومتی تاکنون از خود نشان داده‌اند. موفقیت‌های آتی جنبش دوم خرداد در پیوند با آن است که اصلاح‌طلبان حکومتی هر چه بیشتر خود را با نیروی اجتماعی جنبش انطباق دهند، نه اینکه این نیروی اجتماعی خود را در حصار محظورات و محدودیت‌های اصلاح‌طلبان حکومتی به بند کشد.

در سال‌های اخیر، حضور نیروهای آزادیخواه و اصلاح‌طلب غیرحکومتی (ملی، ملی-مذهبی و چپ) در صحنه سیاسی و فرهنگی کشور افزایش یافته است. این حضور، در اشکال مختلف، از وجود نهادهای مدنی گرفته تا نشریات مستقل و غیر وابسته به حکومت مشهود است. افزایش این حضور، به تعمیم، شتاب‌گیری و پیشرفت رفرم‌های سیاسی و اجتماعی باری می‌رساند و در عین حال، به ارتقای ظرفیت اصلاح‌طلبانه بخش حکومتی جنبش دوم خرداد و تصحیح و تدقیق مواضع آن کمک می‌کند.

هر چند تاکنون، سیاست غالب جناح مسلط حکومت در مقابله با جنبش آزادیخواهانه مردم، اعمال سرکوب بوده است، اما به تناسب پیشرفت و قدرت گرفتن جنبش اصلاحات، برای جناح مسلط حکومت بهره گرفتن از شیوه‌های خشونت‌آمیز با هزینه سیاسی بیشتری همراه می‌شود.

در سال‌های اخیر در درون نیروهای حکومتی جنبش دوم خرداد، تفکیک‌های بسارزی صورت پذیرفته است. بخشی از آنها همچنان در مواضع سنتی خود باقی مانده‌اند و بخشی دیگر، از این مواضع فاصله گرفته، در جهت پذیرش دیدگاه‌ها و مواضع پیشرفته‌تر گام‌هایی

#### اهداف سیاسی ما:

سازمان ما، با تاکید مجدد بر مفاد دو سند مصوب کنگره پنجم سازمان تحت عناوین «دیدگاه‌ها و آماج‌ها» و «برای دموکراسی و عدالت اجتماعی»، بار دیگر اعلام می‌کند که:

سازمان، خواهان برقراری جمهوری دموکراتیک پارلمانی بر پایه موازین حقوق بشر، دموکراسی، جدایی دین و ایدئولوژی از حکومت، فدرالیسم و عدم تمرکز است. در این ساختار سیاسی، همه ارگان‌های حکومتی یا از سوی مردم در انتخابات برگزیده می‌شوند و یا به ارگان‌های انتخابی پاسخگو هستند.

سازمان ما، بسمت‌ایه یک جریان چپ، دموکراتیک و لائیک، معتقد به توسعه اقتصادی و اجتماعی، گشایش سیاسی و فرهنگی و عدالت اجتماعی در کشور است. سازمان، این اهداف و برقراری جمهوری دموکراتیک پارلمانی را مبنای سیاست‌های جاری و روزمره خود قرار می‌دهد و آنها را در ارگان‌های تبلیغی و ترویجی خود منعکس کرده و می‌کوشد سازمان با این سیما در افکار عمومی شناخته شود.

#### ارزیابی از جنبش

#### آزادیخواهانه و اصلاح‌طلبانه:

جنبش آزادیخواهانه و اصلاح‌طلبانه مردم ما که از دوم خرداد سال ۷۶ فراز جدیدی یافت، از الزامات رشد جامعه و خواست‌های مردم ریشه گرفته است. هدف این جنبش، طرد استبداد حاکم و استقرار آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در کشور است. این جنبش از طریق مبارزه برای پیشبرد رفرم‌های سیاسی و اجتماعی در راه اهداف خود گام بر می‌دارد. آرای میلیونی مردم در انتخابات دوم خرداد و انتخابات شوراهای نشان داد اکثریت مردم کشور ما نیروی بالقوه جنبش دوم خردادند. نیروی بالفعل جنبش دوم خرداد شامل پیشرفته‌ترین گروه‌های مردم از میان زحمتکشان، روشنفکران و اقشار متوسط است. در این جنبش، نقش روشنفکران، زنان، جوانان و دانشجویان پر چشمگیر و بارز است. این نیروی اجتماعی بر کاربست شیوه مسالمت‌آمیز مبارزه تأکید دارد. این نیرو، مخالف ولایت فقیه و هر نوع دیگر از قدرت غیرمردمی است.

روحانیت سنتی، تجار متحد این روحانیت و عوام‌اصل و حامیان استبداد در دستگاه بوروکراتیک - نظامی جمهوری اسلامی، منافع طبقاتی خود را مغایر با اهداف جنبش دوم خرداد می‌بینند و با این جنبش مقابله می‌کنند. این گروه‌بندی استمرار قدرت خود را در دوام و قوام ولایت فقیه می‌داند. جبهه مخالف جنبش دوم خرداد، تحمل وجود هیچ مخالف و منتقدی را ندارد و در برخورد با مخالفان خود، شیوه سرکوب و خشونت را به کار می‌گیرد.

نسرد سرنوشت‌سازی بین نیروهای آزادیخواه و اصلاح‌طلب با نیروهای محافظه کار و سرکوبگر مخالف جنبش ۲ خرداد، جریان دارد. حد پیشرفت جامعه و خواست‌های آن، با حکومت دینی در تضاد حد قرار گرفته است.

جنبش آزادیخواهانه و اصلاح‌طلبانه علیرغم افت و خیزها، پیش می‌رود و موقعیت آن در جامعه تقویت می‌شود.

مطبوعات مستقل و منتقد، در پیشبرد جنبش اصلاح‌طلبانه و آزادیخواهانه نقش بسارز و برجسته‌ای دارند. روزنامه‌نگاران آزاده، در برابر یورش ارتجاع حاکم به سنگر مطبوعات ایستاده‌اند و بر سرای آزادی بیان و عقیده مبارزه

فصل اول: اصول راهبردی

اهداف

سازمان در مبارزه برای تامین و گسترش آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران، به مثابه اساسی‌ترین اهداف سیاسی و آرمانی خود، بر ضرورت دگرگونی‌های بنیادین در نظام سیاسی و سیاست‌های حاکم بر کشور تاکید دارد. در این مرحله از مبارزه اصول جمهوریت، حقوق بشر، و تقویت نهادهای مدنی و دموکراتیک، عدم تمرکز، قانونمداری، و استقلال دین و حکومت از یکدیگر سمت‌دهنده سیاست‌های ماست.

تکیه‌گاه

سازمان در پیشبرد اهداف خود بر نیروی برآمده از حضور، مشارکت و بیکارمسالت‌آمیز و همگانی مردم، در شکل فعالیت احزاب، سازمان‌ها، نهادهای و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشور متکی است.

روش

سازمان کثرت‌گرایی و تحمل و مدارا را ترویج می‌کند و مخالف خشونت، انتقام‌گشی سیاسی، کینه‌پرایی و افترا در مبارزه سیاسی است و کاربست اشکال خشن و قهرآمیز، چه از جانب حکومت و چه از جانب مخالفان را رد می‌کند. سازمان خواهان مناسبات معقول میان همه نیروهای سیاسی کشور است و به این منظور می‌کوشد روند گفتگو میان آنان جاری، نهادی و همیشگی گردد. عقلانیت و نقادی نیکخواهانه از ابزارهای اصلی سازمان در برخورد با مخالفین سیاسی است.

معیار

معیار ما در سیاست‌گذاری و انتخاب شعارها عبارت است از تحلیل اوضاع و اهداف و آرمانهای سازمان. ما شعارهایی را در دستور عمل اجتماعی قرار خواهیم داد که در اثر روشنگری و بسیج دموکراتیک و مسالمت‌آمیز، نیروی مردمی ضرور در پشتیبانی از آن در جامعه فراهم شده باشد. سازمان مخالف افراط گرایی و یا عدول از ارزشها در مبارزه سیاسی است.

قانونیت

سازمان به قانونیت و فعالیت قانونی پایبند است و می‌کوشد تا حکومت قانون مستقر شود. این کوشش با مبارزه برای دموکراتیزه کردن قوانین کشور، به شمول قانون اساسی، با هدف برابری همه شهروندان در برابر قانون همراه است.

سمت‌گیری اجتماعی، مصلحت عمومی و منافع ملی

سمت‌گیری اجتماعی سازمان در اختلافات و منازعات اجتماعی و طبقاتی بر جانبداری از اقلیت زحمتکش و محروم جامعه، زنان، جوانان، اقلیت‌های قومی، ملی و مذهبی استوار است. سازمان حین پایبندی به این سمت‌گیری اجتماعی خود بر مصلحت عمومی جامعه، با رعایت حقوق شهروندی، به دور از هرگونه تبعیض تاکید می‌ورزد. ما عامل قهر و سرکوب در قبال مطالبات گروه‌های اجتماعی را محکوم می‌دانیم. سازمان، در چارچوب برابر حقوقی همه ملت‌ها و کشورها، مدافع منافع ملی است. سازمان از اصول همزیستی مسالمت‌آمیز با ملل و کشورهای دیگر پیروی می‌کند و خواهان درآمیزی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها و خواهان بسط مناسبات و همکاری‌های منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی است.

فصل دوم: برای پیشبرد توسعه سیاسی

الف: سمت‌گیری‌های سیاسی

ارزیابی

مبارزه میان نیروهای مدافع استبداد و خشونت و نیروهای طرفدار جمهوریت، دموکراسی و گسترش حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی شاخص عمده رویدادهای جاری کشور است. تحولات عمیق در بنیان‌های حیات اجتماعی و در مرکز آن تقویت نقش نهادهای مدنی و رشد چشمگیر آگاهی سیاسی در جامعه، به تغییر قابل ملاحظه در تناسب قوا میان نیروهای خواهان و مخالف دموکراسی در کشور، و به تبع آن به شکافی غیر قابل جبران در حکومت، منجر شده است. دوم خرداد ۱۳۷۶ نقطه چرخشی بزرگ در این رابطه است. این تحولات دامنه اقتدار نهادهای سرکوب را محدودتر کرده و بر اهمیت انتخابات و حق رای افزوده است. خشونت‌گراییان، هم در حکومت و هم در اپوزیسیون، در مسیر انزوا قرار گرفته‌اند. تشنج در روابط با برخی همسایگان به زیان این روند و نگاه جاری اروپا، آمریکا و برخی کشورهای عربی در جهت تحول مثبت اوضاع در ایران تاثیر می‌کند مجموعه این عوامل امید به ثمربخشی مبارزه برای پیشبرد اصلاحات و دگرگونی حیات سیاسی کشور در راستای بسط اصول جمهوریت و توسعه دموکراسی را افزایش داده و ارائه و عرضه آنچه که در این سند آمده است ناشی از و مبتنی بر همین ارزیابی است.

جناح‌ها

در حکومت جمهوری اسلامی ایران دو جناح با دو گرایش متمایز، شامل ائتلاف محافظه کاران و ائتلاف اصلاح‌طلبان حضور دارد که هر یک مواضع قدرت خود را دارند. سیاست‌گذاری‌ها و موضع‌گیری‌های سازمان بر همین واقعیت مبتنی است و از یک‌کاسه کردن جناح‌ها تحت عنوان رژیم می‌پرهیزد. سیاست ما در قبال جناح‌های حکومت بر پایه برنامه ما برای توسعه سیاسی تنظیم می‌شود.

در راه ژرفش جنبش اصلاح‌طلبی در کشور

سندی که اکنون به نام «در راه ژرفش جنبش اصلاح‌طلبی در کشور» در اختیار شما قرار می‌گیرد و برای ارائه به کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) منظور شده است، محصول بحث‌ها و تبادل نظرهایی است که میان دکتر رضا جوشنی و فرخ نگهدار و برخی رفقای دیگر صورت گرفته است. این سند در برگیرنده اشتراک‌نظرهایی است که (در زمینه مسایل مربوط به اوضاع سیاسی جاری در کشور و طرح‌نقشه‌ها برای بسط آن به سوی دموکراسی) میان رفقای مشارکت‌کننده وجود داشته است. سیمای کامل‌تر

ما و محافظه کاران

ما مخالف برنامه و سیاست جناح محافظه کار هستیم اما از سیاست ناپودکردن در قبال آنها پیروی نمی‌کنیم. محافظه کاران، علیرغم تضعیف چشمگیر مواضعشان، در سالهای اخیر و عدم استقبال عمومی، حق دارند، و به سود دموکراسی نیز هست، که در رقابت مسالمت‌آمیز، دموکراتیک و برابر حقوق با دیگران، برای تحقق اهداف سیاسی و اجتماعی خود تلاش کنند.

نیروهای جناح محافظه کار پس از دوم خرداد به تدریج دچار تشنج و یاس شده به سمت تجزیه رفته‌اند. یک گرایش در میان آنان بر تشدید خشونت و ارباب و سرکوب و گرایش دیگر به وسیله قراردادن قانون و یا به بده بستن‌های سیاسی با اصلاح‌طلبان تمایل نشان می‌دهد. سازمان به دقت تحولات در جناح راست را دنبال می‌کند و در روند جاری انحلال باند‌های خشونت‌گرا و خارج کردن اهرم‌های قدرت از دست آنان را در دستور قرار می‌دهد.

ما و اصلاح‌طلبان

برنامه و حرکت اصلاح‌طلبان در حکومت برای توسعه سیاسی با برنامه ما دارای نقاط اشتراک معین است. در این موارد عمل ما با آنها همسوست و ما کوشش خواهیم کرد که تاکتیک‌های مناسب و نیروی بیشتر برای تحقق آنها فراهم شود. در مواردی که، چه به دلیل برخی اشتراک نظرها یا جناح راست و چه به دلایل مصلحت‌طلبانه، عمل آنها یا مغایر اهداف برنامه ماست و یا به اعتقاد، حسن تلقی و امید اصلاح‌طلبان غیر حکومتی لطمه زند، ما این موارد را با حساسیت مورد انتقاد قرار خواهیم داد.

ما و جنبش دوم خرداد

جنبش دوم خرداد که حول توسعه سیاسی گرد آمده است طیف بسیار وسیعی از تمایلات سیاسی را می‌پوشاند و پیوند می‌دهد. سه مؤلفه اساسی این جنبش - یعنی اصلاح‌طلبان اسلامی، چپ‌ها (معتقدان به سوسیالیسم) و لیبرال‌ها - دارای اهداف و دیدگاه‌های متفاوت هستند. در روند سیاسی جاری سازمان می‌کوشد بین این سه نیرو مناسبات و گفتگوها بسط یابد و همسوئی و هماهنگی عمل آنان تقویت شود. با توجه به حد سلطه محافظه کاران در حکومت، در روند سیاسی جاری تجزیه و رودرونی مؤلفه‌های جنبش دوم خرداد، نه به رادیکالیزه شدن جنبش، که به تضعیف و عقب‌نشینی آن منجر می‌شود. تلاش ما در روند جاری متوجه تقویت مرزبندی درونی میان این مؤلفه‌ها نخواهد بود. ما روش‌ها و مواضع نیروهایی که موجب و یا خواهان تجزیه نیروهای دوم خردادی هستند را مورد نقد قرار داده بر زبان آن تاکید خواهیم داشت. حفظ اعتماد متقابل و گستردگی پایه اجتماعی این جنبش در روند جاری حائز اولویت و اهمیتی حیاتی است.

ب: برای توسعه سیاسی: محورها و مطالبات

جایگاه آزادی

محور اصلی توسعه سیاسی آزادی است و آزادی قبل از همه بی‌سوی آزادی آندیشه و بیان. نخستین و مهمترین رکن برنامه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای توسعه سیاسی عبارت است از تضمین آزادی عقیده و بیان و تضمین برابر حقوقی همه شهروندان در برابر قانون قطع نظر از پایبندی یا عدم پایبندی آنان به اعتقادات حکومت‌گران.

حق مخالفت با ولایت فقیه

نظام سیاسی حاکم بر ایران نظام جمهوری اسلامی و یکی از ارکان آن ولایت فقیه است. اما بخش عمده‌ای از شهروندان ایران، به جمهوری اسلامی اعتقادی ندارند و با ولایت فقیه مخالفند. ما خواهان آن هستیم که همه کسانی که به ولایت فقیه و یا جمهوری اسلامی اعتقاد ندارند بدون تبعیض از نعمت آزادی و امنیت و حقوق فردی و اجتماعی برخوردار گردند.

بازنگری در قوانین

از آنجا که انبوهی از قوانین موجود، به شمول بندهای معینی از قانون اساسی بر تبعیض آشکار بر اساس عقیده مبتنی است، سازمان ضرورت بازنگری و تصحیح آن قوانین را در مرکز توجه عمومی قرار داده می‌کوشد این خواسته به یک محور عمده در جنبش اصلاح‌طلب ایران برای توسعه سیاسی مبدل شود. بازسازی بنیادین قوه قضائیه، در این میان، ضرورتی حیاتی است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر

مبنای ما برای تشخیص حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر است. سازمان می‌کوشد تا مسافه این اعلامیه به مینا و با سمت دهنده عمل مشترک همه

اصلاح‌طلبان برای توسعه سیاسی قرار گیرد.

مسائل حاد

فشار بر مطبوعات، تلاش برای هرچه محدودتر کردن حق مردم در انتخاب نماینده، تلاش برای تداوم و تشدید تضییقات علیه زنان و جوانان، به کمک ناهنجاری‌های دهشتناک سیستم قضائی کشور، در مرکز توجه محافظه کاران قرار گرفته است. سازمان با معیارگرفتن اصول حقوق بشر، همچون گذشته، و هماهنگ با سایر اصلاح‌طلبان، مقابله با این تلاش‌های راست‌گرایان را در مرکز مبارزه برای توسعه سیاسی قرار می‌دهد.

احزاب سیاسی

آزادی فعالیت احزاب سیاسی یک رکن عمده توسعه سیاسی است. اما از این آزادی تاکنون فقط شبه‌حزب‌های درون حکومتی و تاحدی جریان‌های ملی - مذهبی برخوردار بوده‌اند. همه سازمان‌های معتقد به جدائی دین و دولت همچنان زیر فشار و سرکوبند. سازمان خواهان آنست که به این وضع پایان داده شود و آزادی فعالیت علنی و قانونی برای همه احزاب سیاسی کشور تضمین گردد.

حزبیت

رهبران اصلی حکومت جمهوری اسلامی، علیرغم گرایش سیاسی آشکار به این یا آن جناح سیاسی، تاکنون از ابراز هویت جناحی خود امتناع کرده و خود را مافوق قرار داده‌اند. سازمان تلاش رهبران جناح‌های احرار هویت فراجناحی - فراجزبی را مغایر دموکراسی می‌شناسد و می‌کوشد همه رهبران سیاسی با هویت جناحی شفاف شناخته گردند.

سیاست خارجی

سیاست خارجی کشور در دو ساله اخیر عملاً گروگان محافظه کاران برای مقابله با دولت خاتمی بوده است. آنها مانع عمده عادی‌سازی و گسترش روابط خارجی ایران، به ویژه با ایالات متحده آمریکا، بوده‌اند. سازمان مدافع مناسبات ایران با سایر کشورهای، و بر پیروی از اصول حسن همجواری و همکاری‌های نزدیک با همسایگان تاکید دارد. این دو برای مهار بحران و تسریع رشد اقتصادی اهمیتی حیاتی دارند.

تشنج‌زدانی و حسن همجواری همچنین یکی از مهمترین پیش‌شرط‌های توسعه سیاسی است. بحران در روابط خارجی نه تنها فرآیندس مرزبندی درونی میان این مؤلفه‌ها خواهد بود، ما روش‌ها و مواضع نیروهایی که موجب و یا خواهان تجزیه نیروهای دوم خردادی هستند را مورد نقد قرار داده بر زبان آن تاکید خواهیم داشت. حفظ اعتماد متقابل و گستردگی پایه اجتماعی این جنبش در روند جاری حائز اولویت و اهمیتی حیاتی است.

توسعه سیاسی - توسعه اقتصادی

راست‌گرایان پس از ۲ خرداد ۷۶ مکرر تاکید داشته‌اند مساله اصلی مردم مسائل اقتصادی است و دولت خاتمی را به بی‌توجهی به آن متهم کرده‌اند. البته بهبود وضع معیشت مردم و رشد اقتصادی بنیانی‌ترین مساله هر کشور است، اما

جناح راست در دو ساله اخیر خود بیشترین توجه خود را به ویژه در هر جا که مسلط بوده است، مثل مجلس و قوه قضائیه، نه به حل مسائل رشد اقتصادی، که به مبارزه سیاسی با حریف معطوف کرده‌است. در حالیکه مهمترین پیش‌شرط پیشبرد یک برنامه توسعه اقتصادی پایدار برای کشور ما اجرای یک برنامه توسعه سیاسی است. بدون تعهد دولت به تضمین امنیت و تضمین آزادی‌های فردی و اجتماعی، بدون داشتن یک سیستم

کارآمد، مدرن و جالفتاده حقوقی و قانونی، بدون پاسخ‌گویی دولت به مردم، در این مرحله معین از رشد جامعه، توسعه اقتصادی پایدار غیر قابل تصور و رشد پرحرانه‌های سیاسی فزاینده و حتی درگیری‌های خونین اجتماعی نیز غیر قابل اجتناب خواهد بود.

تمام کوشش ما صرف این خواهد شد که با تحقق هرچه بیشتر موارد برنامه ما برای توسعه سیاسی راه کشور برای توسعه اقتصادی پایدار هر چه هموار گردد.

توسعه سیاسی - عدالت اجتماعی

یک بحث جدی میان دو جریان اصلاح طلب در حکومت، از جمله میان کارگزاران و جبهه مشارکت، بر سر رابطه میان امر توسعه و مساله عدالت اجتماعی بوده است. حلقه مرکزی در گسترش عدالت اجتماعی و نیز در توسعه سیاسی دموکراسی است. توسعه اقتصادی که بر بی‌قانونی، بر فرماندهی، بر افزایش تمرکز و بر بی‌حقوقی توده‌ها و یا بر سرکوب و استبداد استوار باشد، بی‌عدالتی و شکاف طبقاتی و ناراضی و بحران اجتماعی را گسترش خواهد داد.

در بحث میان توسعه‌گرایان و عدالت‌گرایان ما از طرح‌ها و سیاست‌هایی پشتیبانی می‌کنیم که بر پایه گسترش سیستم حقوقی - قانونی، بر پایه گسترش دموکراسی، و بر پایه نیاز، خواست و یا مشارکت اقشار وسیع مردم مبتنی باشد.

فصل سوم: برای حضور علنی

و فعالیت قانونی در ایران

تأمین و تضمین حق فعالیت علنی و قانونی احزاب سیاسی دگراندیشی به حد موفقیت عمومی در مبارزه برای پیشبرد برنامه توسعه سیاسی بستگی می‌یابد. به ویژه تضمین این حق برای احزاب چپ با تغییر در حکومت و تسلط نیروهای مدافع جمهوریت و مردم‌سالاری گره خورده است. از این نظر اقدامات عملی برای حضور علنی و فعالیت قانونی سازمان در ایران هماهنگ با حد پیشرفت اصلاحات و تغییر فضای سیاسی کشور پی گرفته خواهد شد. در این ارتباط در نظر گرفتن ملاحظات و پیگیری و انجام اقدامات زیر در دستور کار دستگاه رهبری سازمان قرار خواهد گرفت:

- ۱- پیگیری در ارائه سیمایی ملتزم به قانون از سازمان.
- ۲- مباحثه فعال با دیگر نیروهای چپ که به امکان گسترش روندهای دموکراتیک در کشور، با وجود جمهوری اسلامی، اعتقادی ندارند و جلب آنان به حمایت از و مشارکت در مبارزات قانونی، علنی و مسالمت‌جویانه.
- ۳- تقویت این امید و ارزیابی که در ایران، در مقیاس کلان، استبداد و سرکوب فراگیر لزوماً پیروزمند نیست و مبارزه برای تقویت عناصر جمهوریت و دموکراسی در کشور رو به گسترش است.

۴- مراجعه رسمی و علنی به رئیس جمهور با ارسال نامه به امضای اعضای هیات سیاسی شورای مرکزی سازمان به وی و تقاضای تضمین امنیت برای بازگشت به کشور.

۵- مراجعه رسمی و علنی به وزیر کشور با ارسال تقاضای کتبی به امضای دبیرخانه مرکزی برای کسب حق فعالیت علنی و قانونی برای سازمان و گشایش بحث با مسئولین سیاسی کشور در این ارتباط؛ پیگیری مستمر این تقاضا به هر

طریق ممکن.

۶- مراجعه مدیر مسئول و سردبیر نشریه کار به وزارت ارشاد از طریق ارسال درخواست برای صدور مجوز انتشار برای آن در ایران و پیگیری این خواسته به همه طرق ممکن.

۷- حمایت از ایجاد یک نشریه مستقل (غیر حزبی) هفتگی در خارج کشور با مجوز وزارت ارشاد با هدف انتشار و توزیع در داخل. تکیه بر فعالیت مطبوعاتی و رادیویی الکترونیک.

۸- ایجاد و بسط مناسبات و همکاری‌ها بین فعالین سازمان با عموم فعالین دموکراتیک در جنبش دوم خرداد و استقبال از روابط علنی و همکاری پایدار با آنان.

۹- شرکت فعالین سازمان در کنفرانس‌ها و مجامع فرهنگی در خارج کشور برخوردار از حمایت دولت و کمک به چرخه تبادل فکری، فرهنگی و سیاسی میان گرایش‌های گونه‌گون در داخل و خارج کشور. برگزاری جلسات مناظره علنی بین صاحب‌نظران طرفداران حکومت و مخالفان در خارج کشور.

۱۰- همکاری با نشریات مستقل داخل کشور از طریق ارسال مطالب و مشارکت در مباحثات موجود در جامعه از این طریق، به نام افراد یا به نام سازمان.

۱۱- حمایت همه جانبه و مؤثر از تلاش عناصر فعال در پایه اجتماعی سازمان برای انتشار نشریات مستقل اعم از محلی یا سراسری، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره.

۱۲- کوشش در راه ایجاد انجمن‌های دموکراتیک و نهادهای محلی، منطقه‌ای و سراسری برای مشارکت سازمان یافته در حیات جاری اجتماعی.

۱۳- همکاری نزدیک فعالین پایه اجتماعی با شوراها و تلاش برای تبدیل آنها به مظاهر واقعی وحدت ملی و سلوک دموکراتیک.

دکتر رضا جوشنی  
فرخ نگهدار

پیشنهاد دکتر جوشنی برای افزودن به بند مربوط به «حق مخالف بودن با ولایت فقیه»: «مستقل از عدم موافقت صریح ما با اصل ولایت فقیه در قانون اساسی، مواضع و عملکرد ولی فقیه نظر به جایگاه وی در حکومت، اثرات ویژه‌ای در توازن قوا بر جای می‌گذارد. همانگونه که جانبداری ولی فقیه از انحصارطلبان تاکنون میدان عمل انسان را گسترش داده، سوق وی به امتناع از این مواضع و واداشتن او به رعایت مصلحت عمومی جامعه و منافع ملی در رابطه با مسایل داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی، حوزه عمل انحصارطلبان را محدود و لذا گشایش معینی برای اصلاح‌طلبی در کشور فراهم می‌آورد.»

پیشنهاد فرخ نگهدار برای افزودن به انتهای فصل سوم «برای حضور علنی و فعالیت قانونی در کشور»:

۱۴- تشویق و گسترش ترده اعضای سازمان به ایران ضمن حفظ علنی هویت خود به مثابه جمهوریخواه و طرفدار دموکراسی.

۱۵- مشروط کردن حق نامزدی برای عضویت در شورای مرکزی به اینکه اقامت کنونی در خارج کشور صرفاً به دلایل امنیتی است و اعلام موافقت آنان با برگشت به کشور در صورت رفع این دلایل.

۱۶- علنی کردن جهات و جوانب مختلف حیات و فعالیت سازمان، اعلام هویت اعضای هیات سیاسی و دیگر مسئولین اصلی سازمان.

کنگره، خط مشی، کنگره...!

رضا جوشنی

اختلاف کنگره‌ها بدون آمادگی درخور، در غوغای بحث‌های نادقیق و خسته‌کننده در حالیکه هم‌چنان گرفتار بسیاری قیود ناگشوده باقی می‌مانند، در قیام و قعودی چند اسنادی به تصویب می‌رسانند و مسئولیتی برای اجرای مصوبات برمی‌گزینند و ... گرچه این بار تلاش بر این بوده که برای کنگره‌ای که در پیش است، تدارک مناسب‌تری صورت گیرد، و مواضع مختلف موجود و مبانی آنها با وضوح بیشتری برآمد کنند ولی بنظر می‌رسد که ما هنوز کم و بیش اسیر این تاخیرها و نادقتی‌ها هستیم. شاید اصلاً ضرور باشد که پس از ده سال تجربه برگزاری کنگره‌های متوالی و یک شکل، بازنگری اساسی روی

مردم کشور ما، نیروهای اصلاح طلب و محافظه کار داخل و خارج حکومت، نیروهای سیاسی اپوزیسیون خارج و داخل کشور و نیز دولت‌ها و محافل خارجی چشم به وقایع ماههای آتی در رابطه با ششمین انتخابات مجلس شورای اسلامی دوخته‌اند. در سازمان ما نیز در عین مکث و پیگیری مسائل ششمین انتخابات مجلس، هم‌زمان مباحث و تدارک ششمین کنگره در دستور قرار دارد.

ما تقریباً در همه کنگره‌های پیشین به شیوه واحدی عمل کرده‌ایم؛ تدارک اسناد با تاخیر صورت می‌گرفته، لذا در شرایط فقدان امکان و فرصت بحث و بررسی مسائل کلیدی، مورد







## به اخراج پناهندگان پایان دهید!

مجلس شورای اسلامی دولت را موظف ساخته است تا پایان سال ۱۳۷۹ تمامی پناهندگان افغانی و عراقی را از کشور اخراج نماید. در حال حاضر نزدیک به دو میلیون افغانی و عراقی در ایران زندگی می‌کنند که یک میلیون و چهارصد هزار نفر آنان افغانی و بیش از پانصد هزار تن دیگر عراقی هستند. بنا به اظهارات مسئولین مدتهاست که مقدمات اجرای این طرح ضدانسانی از سوی فرمانداریها و ارگانهای انتظامی به مرحله اجرا گذاشته شده است و به طور گسترده‌ای برای این افراد برگ صادر گردیده است.

دولت جمهوری اسلامی که امکانات وسیعی را به بهانه پناهندگان از ارگانهای بین‌المللی دریافت می‌کند، پناهندگان را علیرغم میلشان به مناطق مرزی کشور می‌برد و به هر کدام معادل چهل دلار وجه نقد می‌دهد و بی‌پروا از وقوع حوادث و خطر آسیب‌پذیری کودکان و سالخورده‌گان، آنها را راهی کشورهای جنگ‌زده و ناامن می‌سازد.

مطابق آمارهای رسمی تنها طی چند ماهه اخیر، بیش از چهل هزار افغانی و ۱۸ هزار تن از کردهای عراقی از ایران اخراج گردیده‌اند. آوارگان افغانی و عراقی سالها در میهن ما به کار و زندگی مشغول هستند و مبادرت به مناسبات و برقراری پیوند خویشاوندی با ایرانیان نموده‌اند و بخش بزرگی از آنها در ایران دارای خانواده هستند. در طی این سالها افغانها و عراقی‌های مقیم ایران، مورد بیمه‌ری و تحقیر قرار گرفته‌اند و هیچ‌گاه از قانون و حمایت دولتی درخور توجه‌ای برخوردار نبوده‌اند. آنها همواره از نداشتن محل سکونت مناسب، آب سالم آشامیدنی، تغذیه و بهداشت مناسب در رنج بوده‌اند و کودکانشان عموماً از تحصیل در مدارس کشور محرومند.

یکی از دلایل اساسی تصمیم به اخراج پناهندگان و مهاجران از سوی حکومت اسلامی، وجود بحران ساختاری در کشور است که نظام اسلامی می‌خواهد با توسل به این عمل، فشار ناشی از اعتراضات و مطالبات توده‌ای علیه خود را کاهش دهد و تقصیر این بحران را به گردن پناهندگان بیاندازد. در حالی است که افغانها و عراقیهای پناهنده در ایران همواره به سخت‌ترین مشاغل و با نازلترین سطح دستمزد مشغول بوده و از داشتن حق بیمه و بازتشتگی محروم بوده‌اند.

ما از تمامی احزاب و سازمانهای دمکرات و ترقی‌خواه داخلی و بین‌المللی مدافع حقوق بشر دعوت می‌کنیم تا با مداخله حقوقی خویش و فشار بر دولت جمهوری اسلامی، مانع بازگرداندن پناهندگان و مهاجران به کشورهای ناامن و جنگ‌زده افغانستان و عراق شوند. با حمایت و همبستگی گسترده خود، از حق برخورداری برابر حقوق مهاجرین یا سایر شهروندان ایرانی ادامه دهیم و با تلاش مشترک، مناسبات آتی مردم ایران را با همسایگان بر پایه صلح، برادری و دوستی مستحکم سازیم.

## نامه اعتراضی دانشجویان زندانی دانشگاه تبریز دانشجوی مجروح ایوب سلیمی در زندان در شرایط جسمی وخیمی به سر می‌برد

اما این ستم ناخوایسته اثرات نامطلوبی در جسم و روح آنان می‌گذارد. دانشجویان نوشته‌اند: آقای ایوب سلیمی دانشجویی که مورد اصابت سه تیر از جانب پای راست قرار گرفته است، در زندان در شرایط نامطلوب جسمی و روحی قرار دارد. در حالی که ایشان برای بهبود پای زخمی خویش مجبور به استفاده از داروهای قوی و ضد چرک می‌باشد و باید از غذاهای مقوی و خون‌ساز و انواع آب میوه استفاده کند و تحت مراقبت و محبت پدر و مادر خویش باشد تا مراحل بهبودی‌اش به سرعت طی شود، اما متأسفانه دادگاه

دانشجویان زندانی دانشگاه تبریز، با ارسال نامه تازه‌ای خطاب به رییس شعبه ۶ دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان شرقی، نسبت به ادامه بازداشت ایوب سلیمی، دانشجویی که در جریان تظاهرات دانشگاه تبریز در تیر ماه گذشته مورد اصابت گلوله اوباش قرار گرفت، اعتراض کردند. ایوب سلیمی در جریان تظاهرات مورد اصابت سه گلوله قرار گرفت و علیرغم نیاز به درمان، همچنان در زندان به سر می‌برد. ۵ دانشجوی زندانی که این نامه را امضا کرده‌اند، نوشته‌اند به امید اجرای عدالت سکوت اختیار کرده‌اند.

دانشجویان زندانی دانشگاه تبریز، با ارسال نامه تازه‌ای خطاب به رییس شعبه ۶ دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان شرقی، نسبت به ادامه بازداشت ایوب سلیمی، دانشجویی که در جریان تظاهرات دانشگاه تبریز در تیر ماه گذشته مورد اصابت گلوله اوباش قرار گرفت، اعتراض کردند. ایوب سلیمی در جریان تظاهرات مورد اصابت سه گلوله قرار گرفت و علیرغم نیاز به درمان، همچنان در زندان به سر می‌برد. ۵ دانشجوی زندانی که این نامه را امضا کرده‌اند، نوشته‌اند به امید اجرای عدالت سکوت اختیار کرده‌اند.

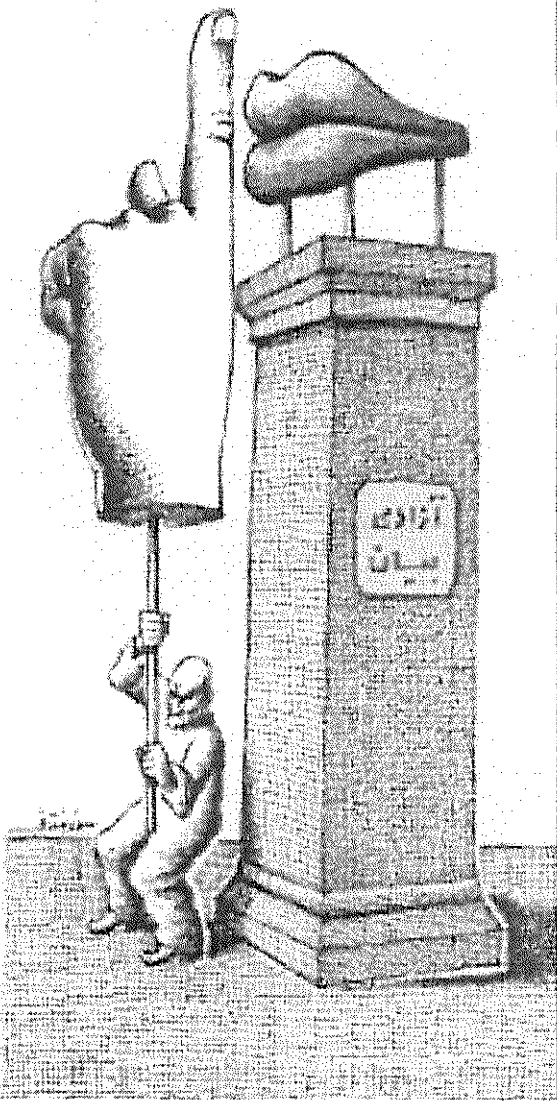
## یک سال پس از قتل‌های زنجیره‌ای پاییز ۷۷

ادامه از صفحه اول  
قتل فجیع دکتر کاظم سامی باز می‌گردد. ده‌ها مخالف جمهوری اسلامی توسط آدم‌کشان وزارت اطلاعات در خارج از کشور به قتل رسیده‌اند. در داخل ایران، شمار قربانیان قتل‌های مشابه قتل سخترای و پوینده در دوره وزارت فلاحیان بسیار است. عبدالله نوری در دفاعیات خود از مسئولیت وزارت اطلاعات در این قتل‌ها برده برداشت. در کشورهای مستعد، چنین افشاگری‌هایی کافی است که کمیته‌های پارلمانی مأمور رسیدگی علنی به این اتهامات شوند و مقاماتی

که چنین جنایاتی در حوزه مسئولیتشان رخ داده است، بدون ملاحظه مقام و موقعیت فعلی آنها مورد بازخواست قرار گیرند. آقای خاتمی که به مردم قبول حکومت قانون را داده است، چرا برای پیگیری اقدام نمی‌کند؟ مسکن است طرفداران آقای خاتمی بگویند همین حد از افزایش حقیقت نیز موهون اقدام خاتمی در تشکیل کمیته تحقیق سه نفره است. ما قصد انکار تأثیر مثبت این اقدام آقای خاتمی را نداریم و از آن قدردانی می‌کنیم. اما همین حد از حقیقت نیز موهون است که از پسرده

بیرون افتاده است، مسئولیت‌ها را در ادامه پیگیری پرونده جنایات وزارت اطلاعات مشاغل می‌کند. ناتمام گذاشتن پیگیری این پرونده، آن هم در شرایطی که دیگر همه می‌دانند قتل‌های پاییز ۷۷ تنها گوشه‌ای از این جنایات است، درست مانند آن است که اصلاً رسیدگی به پرونده آغاز نمی‌شد. مردم از آقای خاتمی انتظار دارند همان گونه که برای رسیدگی به پرونده قتل‌ها در آغاز، به دستگاه قضایی اعتماد نکند و دستور تحقیقات مستقل را داد، اولاً این تحقیقات را به سایر جنایات وزارت اطلاعات بسط دهد و ثانیاً نگذارد پرونده قتل‌های پاییز ۷۷ در نیمه‌راه مسکوت بماند.

مانا نیستانی



زندگی نشان نداده است که با وجود نهادهای قدرتمندی نظیر رهبری و شورای نگهبان، نمی‌توان به اجرای حتی همین قانون ناقص امیدوار بود؟ آیا براساس این همه تخلف از قانون اساسی که در برابر چشمان ولی فقیه صورت می‌گیرد، خود نشانه آن نیست که او با این تخلفات مخالف نیست؟ آیا می‌توان امیدوار بود که با وجود رهبری کتونی و شورای نگهبان موجود، مجلس خبرگانی تشکیل داد که رهبری دیگری برگزیند که اجازه ندهد قانون چنین در برابر چشمانش قربانی شود و آیا می‌توان امیدوار بود که چنین رهبری فرضی، با آن همه قدرت نامحدود، خود به همان راهی نرود که رهبری فعلی رفته است؟ اینها سوالات بی‌پایان و بدون پاسخی است که در چارچوبه قانون اساسی موجود مطلقاً نمی‌توان بدانان پاسخی امیدوارکننده داد.

مخالفت ما با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یک مخالفت کور و از سر لجبازی نیست. این قانون اساسی، به دلیل به رسمیت شناختن ولایت فقیه با اختیارات بی‌پایان، قانونی است که به کمک آن هرگز نمی‌توان به خواست عبدالله نوری مبنی بر برقراری نظام مردم‌سالاری در ایران رسید. بازنگری در این قانون ضرورتی است که بدون آن اصلاحات در ایران به هیچ سرانجام روشنی نخواهد رسید. این بازنگری به اعتقاد ما باید در جهت پایان بخشیدن به نظام ایدئولوژیک در ایران، برچیدن مقام کاملاً زاید رهبری و همه نهادها و ارگان‌های وابسته به آن، و تنظیم آن بر پایه حقوق شناخته شده دموکراتیک و از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر باشد. ایسا وقت آن نرسیده است همان‌گونه که عبدالله نوری نیز مستقفاً خود را وارثانند. نسل حاضر قانون اساسی خود را خود بنویسد و محکوم به اجرای قانونی که در شرایطی کاملاً مستقفاً تهیه شده است، نباشد؟

## با این قانون اساسی نمی‌توان به نظام مردم‌سالار رسید!

دواینده است، تحت کنترل خود در آورده. آن چه که ادعای کنترل نهاد رهبری توسط مجلس خبرگان را کاملاً بی‌اعتبار می‌سازد، این است که این مجلس اساساً مطابق تمایلات رهبر شکل می‌گیرد و صلاحیت نمایندگانش توسط رهبری که خود برگزیده مقام رهبری است باید مورد تأیید قرار گیرد.

۴. عبدالله نوری می‌گوید: به هر حال هر قانون اساسی یک مفسر می‌خواهد و خبرگان قانون اساسی ما شورای نگهبان را مفسر قانون اساسی قرار داده‌اند. نوری بر این تصمیم ایرادی نمی‌گیرد. اما یکی از بزرگ‌ترین جنبه‌های ضددموکراتیک قانون اساسی همین تصمیم است. زیرا شورای نگهبان منتخب رهبر است (فقیه‌اش مستقیماً توسط رهبر انتخاب می‌شوند و وکلایش نیز اگر هم کارهای باشند منتخب رئیس قوه قضاییه هستند!) و در نیز منتخب رهبر است! و در تحلیل نهایی مفسر قانون اساسی نیز مقامی می‌شود که خود بالاترین قدرت را در آن دارد!

۵. بدین ترتیب نگاهی حتی اجمالی به ساختار رهبری در حکومت اسلامی که مطابق قانون اساسی تشکیل شده و پر است از نهادهای غیرانتخابی، نشان می‌دهد که سر نخ همه اختیارات سرانجام به نهاد رهبری جمهوری اسلامی ختم می‌شود و او نه تنها اختیاراتی فوق‌العاده گسترده دارد، بلکه مفسر قانون نیز هست و نهادی را هم که برای کنترل او تشکیل شده است، تحت کنترل دارد!

این قانون اساسی با وضعیت فعلی این زمانی می‌تواند در حدود و اختیاراتی که قانون اساسی جمهوری اسلامی برای رهبر حکومت اسلامی در نظر گرفته است، شناخته شود. برای جلوگیری از تمرکز قدرت، مطابق قوانین مانع از آن می‌شوند که هیچ فردی بیش از دوره زمانی معینی در مسئولیت‌های طراز اول قدرت قرار گیرد. برای رهبر جمهوری اسلامی این محدودیت در نظر گرفته نشده است. بنابراین او فرصت و زمان کافی و وسایل لازم را در اختیار دارد که با استفاده از قدرت بی‌پایان و نامحدود خود، بر سایر نهادهای دولتی و حکومتی اعمال نفوذ کند و آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده و مطیع خواست‌های خویش سازد. هیچ عقل سلیمی نمی‌تواند بپذیرد که یک مجلس خبرگان که سالی چند بار تشکیل جلسه می‌دهد، قادر باشد مقامی را که بطور عمیقی ریشه در قدرت

مسائل پاسخی نمی‌دهد، او در «مردم» قدرتی می‌بیند که فارغ از شرایط و دشواری‌ها می‌تواند بر هر خلافی رای باطل بزند و از این جا نتیجه می‌گیرد که پس هیچ اشکالی ندارد که بازنگری قانون اساسی در اختیار رهبر باشد، مردم اگر خواستند رای نمی‌دهند! نوری ظاهراً نمی‌خواهد به این بیاندیشد که آیا مطمئن‌ترین نیست که چنین اختیاری از مقام رهبری گرفته شود؟

۳. عبدالله نوری می‌گوید: نشان دهد اگر همه چیز مطابق قانون اساسی پیش رود، نهاد ولایت فقیه خارج از کنترل نخواهد بود. او تلاش می‌کند مجلس خبرگان، آن گونه که خود در نظر دارد، را به عنوان نهاد کنترل‌کننده رهبری تعریف کرده و برای این تقیصه که مقام رهبری جمهوری اسلامی خارج از هر کنترلی قرار دارد، چاره‌ای بیاندیشد. اما مجلس خبرگان حتی اگر مطابق نظر عبدالله نوری به طور کامل دموکراتیک نیز انتخاب شود، باز فاقد قدرت کنترل‌کننده بر نهاد رهبری است. به دلایل زیر:

اولاً - مقام رهبری در جمهوری اسلامی، تابع هیچ محدودیت زمانی نیست. امروز در بسیاری از کشورهای دموکراتیک، برای جلوگیری از تمرکز قدرت، مطابق قوانین مانع از آن می‌شوند که هیچ فردی بیش از دوره زمانی معینی در مسئولیت‌های طراز اول قدرت قرار گیرد. برای رهبر جمهوری اسلامی این محدودیت در نظر گرفته نشده است. بنابراین او فرصت و زمان کافی و وسایل لازم را در اختیار دارد که با استفاده از قدرت بی‌پایان و نامحدود خود، بر سایر نهادهای دولتی و حکومتی اعمال نفوذ کند و آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده و مطیع خواست‌های خویش سازد. هیچ عقل سلیمی نمی‌تواند بپذیرد که یک مجلس خبرگان که سالی چند بار تشکیل جلسه می‌دهد، قادر باشد مقامی را که بطور عمیقی ریشه در قدرت

انجام داد و در شماره گذشته «کار» نیز خلاصه‌ای از آن به چاپ رسید، روشن شده است. عبدالله نوری در این مصاحبه که به ویژه مورد تأکید مقاله حاضر است، در برابر هشدارهای اکبر گنجی که می‌گوید او را متوجه تناقضات قانون اساسی سازد، از این قانون دفاع می‌کند و می‌گوید: «نباید عملکرد افراد را به پای قانون اساسی گذاشت» و «مشکل به قانون اساسی بازمی‌گردد، بلکه به نحوه اجرا و وضع قوانین بازمی‌گردد».

عبدالله نوری به این موضوع نزدیک هم نمی‌شود که چه عواملی در خود قانون اساسی وجود دارد که مانع اجرای آن می‌شود و به محال قدرت به راحتی اجازه می‌دهد، آن را زیر پا بگذارند. راحل‌هایی که عبدالله نوری به طور مثال در مورد نحوه بازنگری در قانون اساسی و در پاسخ به انتقادات اکبر گنجی ارایه می‌دهد، غیر قابل اعتماد و بیش از اندازه غیرواقعی است. نوری می‌گوید: «آن تصویری که گمان می‌کنند رهبری به نفع خود و به ضرر ملت در قانون اساسی بازنگری می‌کند، این نکته را در نظر نمی‌گیرد که مردم در نهایت به چنان قانون اساسی رای نخواهند داد و چنان انتخاباتی را تحریم خواهند کرد!» برای کسی که سال‌هاست یکی از دست‌اندرکاران حکومت بوده است و قدرت این حکومت را به رای‌سازی، و حتی تأییدسازی در مردم دیده است، بعید است که چنان راحت مساله به این مبهمی را چنین خوش‌پاورانه پاسخ گوید. آیا به راستی اگر «رهبر» مخالف منافع مردم و مردم‌سالاری بود، به رای مردم اهمیت می‌دهد؟ آیا برای حکومت‌های ضددموکراتیک دشوار است که ماشین‌های رای‌سازی خود را به کار بیاورند و سباه را سفید جلوه دهند. و آیا اصولاً در حکومتی که اساسش بر پایه دیکتاتوری قرار دارد، مردم می‌توانند همواره چنان راحت، آن‌گونه که عبدالله نوری می‌گوید، اعمال اراده کنند؟ عبدالله نوری به این

دفاعیات عبدالله نوری در برابر دادگاه ویژه روحانیت را باید یکی از ماندگارترین دفاعیات در تاریخ بیست ساله حکومت اسلامی دانست. عبدالله نوری در این دادگاه ظالمانه، با شهامت کم‌نظیری که در میان وابستگان به حکومت تنها از او انتظار می‌رفت، ظلم و ستم دستگاه حاکم بر ایران را افشاء کرد و با دفاع صریح و روشن خود از حقوق مخالفان، پیشروترین و شجاعانه‌ترین «قرات» سیاسی از اصلاح‌طلبان دینی در ایران را به نمایش نهاد. این دادگاه، خلاف نظر و قصد دشمنان آزادی، نوری را پیش از پیش به یک چهره برجسته جنبش اصلاح‌طلبی مذهبی در ایران تبدیل کرد. سخنان شجاعانه نوری نه تنها اصلاح‌طلبان مذهبی را امید دوباره‌ای بخشید، بلکه احترام و تسخین همه آزادی‌خواهان ایران را نیز برانگیخت.

اما دقت در سخنان و نظرات عبدالله نوری، در عین حال محدودیت‌هایی را آشکار می‌کند که بدون توجه به آن‌ها، از نظر ما رفع آن‌ها، مبارزه برای تحقق یک جامعه دموکراتیک و مردم‌سالار در ایران، آن‌گونه که عبدالله نوری به دفاع از آن برخاسته است، ناممکن خواهند بود. این مقاله کوششی است در جهت نشان دادن این محدودیت‌ها. همه سخن و همه تلاش عبدالله نوری را در یک کلام می‌توان تلاش برای اجرای قانون اساسی در ایران خلاصه کرد. این تلاش هر چند در شرایط کنونی که قانون مطابق سلیقه صاحبان قدرت به راحتی زیر پا گذاشته می‌شود، یک گام مثبت است و می‌تواند برخی از مشکلات را مرتفع سازد، اما به اعتقاد ما، نمی‌تواند هدف آزادی‌خواهان ایران را که استقرار یک نظام مردم‌سالار است، برآورده سازد. نظر عبدالله نوری در مورد قانون اساسی، علاوه بر دفاعیات او، در مصاحبه‌ای که وی در آستانه تشکیل دادگاه خود با اکبر گنجی، روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب

## قطعنامه بین الملل سوسیالیست در حمایت از خواست‌های ملی کردها

حزب دموکرات کردستان ایران، ترجمه فارسی قطعنامه گروه کار کردها در بیست و یکمین کنگره انترناسیونال سوسیالیست در مورد مساله کرد را انتشار داد. متن این قطعنامه چنین است:

«کنگره انترناسیونال سوسیالیست که در روزهای ۸، ۹ و ۱۰ در پاریس برگزار شد:

- مشاهده می‌کند که هیچ‌گونه تغییری در وضعیت کردها در خاورمیانه صورت نگرفته و حقوق کردها هنوز هم برسمیت شناخته نشده است.

- خاطر نشان می‌سازد که بدون در نظر گرفتن حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کردها در منطقه خاورمیانه، بویژه در کشورهای ترکیه، عراق و ایران، تأمین هرگونه صلح پایدار در این منطقه ناممکن است.

- یک بار دیگر بر پشتیبانی خود از حقوق مشروع کردها و همبستگی خود با نمایندگان دموکراتیک آنان تأکید می‌نماید.

ترکیه:

- یک بار دیگر بر مخالفت خود با مجازات اعدام تأکید می‌ورزد و از ترکیه که نامزد عضویت در اتحادیه اروپاست، می‌خواهد که موازینی را که در کشورهای دموکراتیک جاری است، در رابطه با محاکمه مبارزین سیاسی، به ویژه مبارزین سیاسی کرد، رعایت نماید.

- بشدت آرزومند است که ترکیه بتواند از رویدادهای اخیر برای پی‌ریزی حل سیاسی مساله کرد، با احترام به خواست‌های مشروع کردها، استفاده کند.

عراق:

- از تغییراتی که بدنبال قرارداد منعقد بین اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان پیش آمده، ابراز خوشحالی می‌کند. این دو حزب باید نهادهای دموکراتیک واحد در کردستان عراق را بازسازی کنند، نهادهایی که به کردها امکان خواهد داد که نقشی تعیین‌کننده در دموکراتیزه کردن عراق بازی کنند.

- نسبت به سرکوب و نقض حقوق بشر در عراق ابراز انزجار می‌کند.

ایران:

- مشاهده می‌کند که انتخاب پرزیدنت محمد خاتمی از جانب اکثریت مردم ایران بر اساس برنامه‌اش مبنی بر ایجاد اصلاحات و گشایش، با مخالفت روزافزون محافظه کاران که دستگاه‌های کلیدی دولت را در دست دارند روبروست و این که این مخالفت بصورت نقض شدید حقوق بشر، از جمله قتل مخالفان بویژه مخالفان کرد، ابراز می‌گردد.

- نسبت به نقض حقوق بشر و سرکوب اقلیت‌ها ابراز انزجار می‌کند و از مقامات ایرانی انتظار دارد که حقوق اقلیت‌ها به ویژه حقوق مشروع کردهای ایران را رعایت نموده و نسبت به آن‌ها احترام بگذارند.

- پشتیبانی خود را از حزب دموکرات کردستان ایران، عضو انترناسیونال سوسیالیست، حزبی که به ارزش‌های دموکراسی وفادار است، نسبت به وحدت ایران دل‌بستگی دارد و از هرگونه اقدام ترویرستی دوری جست و تروریسم را رد می‌کند، اعلام می‌داریم.»

## نامه جمعی از خانواده‌های داغدار و مصدومین آتش‌افروزی لوکال مقدونی‌ها به وزیر دادگستری سوئد در سالگرد فاجعه آتش‌سوزی:

### پرونده این جنایت هولناک را روشن کنید!

جمعی از خانواده‌های داغدار حادثه آتش‌سوزی در شهر گوتنبرگ سوئد که در جریان آن ده‌ها نوجوان جان خود را از دست دادند و یا مصدوم شدند، در نامه سرگشاده‌ای خطاب به وزیر دادگستری سوئد، به روند رسیدگی به پرونده این حادثه اعتراض کردند.

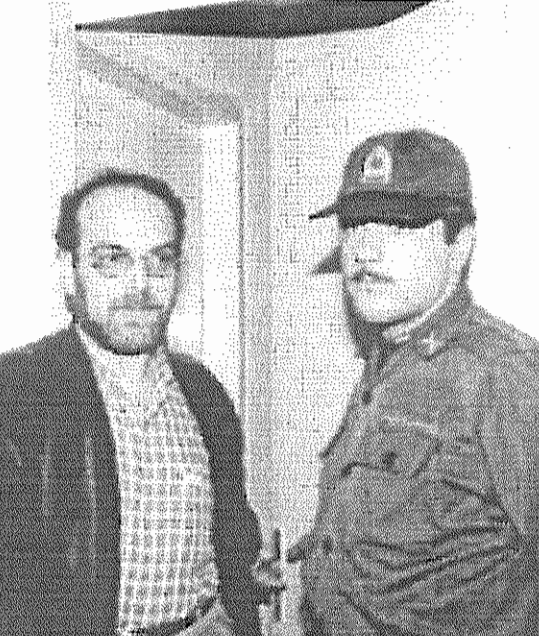
خانم وزیر! بیش از یازده ماه از حادثه وحشتناک و جانکاه آتش‌افروزی لوکال هسینگن در گوتنبرگ می‌گذرد. آیا طی این مدت طولانی، هیچ به اوضاع و احوال ما خانواده‌های داغدار مصدومین اندیشیده و از خود پرسیده‌اید بر ما چه گذشته است؟

آیا مسئولین و دست‌اندرکاران بررسی مدارک

جرم در راستای شناسایی مجرمین و مسببین آتش‌افروزی اقداماتی صورت داده‌اند که ما خانواده‌ها طی این زمان طولانی، محق به شنیدن حقایق تلخ نتایج کار آن‌ها نبوده باشیم؟... در طول یازده ماه آندوهبار و مشحون از بی‌عدالتی، ما والدین قربانیان و مصدومین حادثه، هواره شاهد اظہارات ضد و نقیض و اطلاعات گمراه‌ساز و مشغول‌دارنده مسئولین پلیس و آتش‌نشانی بوده‌ایم.

در بخش دیگری از این نامه چنین آمده است: ابهامات موجود و سناریوهای ساختگی، صحنه‌آرایی‌های مصلحتی، روان اکثر ما را آسیب‌پذیر کرده است. این صحنه‌سازی‌ها و رنگ‌آمیزی‌ها در رابطه با بی‌اطلاعی ما از علل آتش‌سوزی

## بعد از تحمل ۱۵ روز زندان و با وثیقه ۵۰ میلیون تومانی شمس‌الواعظین آزاد شد



ماشاءالله شمس‌الواعظین سردیر روزنامه عصر آزادگان که به حکم سعید مرتضوی قاضی دادگاه مطبوعات دستگیر شده بود، بعد از تحمل ۱۵ روز زندان و با وثیقه ۵۰ میلیون تومانی روز چهارشنبه ۲۶ آبان ماه از زندان آزاد شد. سعید مرتضوی بعد از تعطیل روزنامه نشاط و محکوم کردن مدیر مسئول آن به ۳۰ ماه حبس تعلیقی، به سرانجام شمس‌الواعظین رفت و او را به اتهام «جعل امضا» باقرزاده به زندان فرستاد. پیش از این باقرزاده اعلام کرده بود نامه و امضاء نامه از اوست و هیچ جعلی صورت نگرفته است. در جریان دادگاه، مرتضوی سیف‌زاده یکی از وکلای شمس را نیز به اتهام «اغتشاش» بازداشت کرد و به مدت ۵ روز به زندان فرستاد. این اقدام خودسرانه قاضی دادگاه، واکنش اعتراضی وکلا را به دنبال آورد.

در جریان بازداشت و محاکمه شمس‌الواعظین، روزنامه‌نگاران کشور با برگزاری چندین مراسم اعتراضی نسبت به رفتار دادگاه مطبوعات علیه وی اعتراض کردند و خواهان آزادی

او شدند. از جمله در مراسمی که بنا به دعوت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در خانه شمس‌الواعظین برگزار شد، حضور یافتند و رجبعلی مرزوعی دبیر انجمن صنفی بازداشت شمس‌الواعظین را محکوم کرد.

جلسات دادگاه شمس بسیار پر تنش و در میان درگیری‌های لفظی شدید قاضی مرتضوی با شمس‌الواعظین و وکلایش سپری شد و نتیجه دادگاه که بدون حضور هیات منصفه برگزار شد، هنوز اعلام نشده است. در حالی که مرتضوی دادگاه شمس‌الواعظین را «غیرمطبوعاتی» اعلام کرده بود، شمس‌الواعظین اعلام کرد بدون حضور وکیل مدافع در دادگاه دفاع نخواهد کرد.

آگاهان می‌گویند با توجه به این که تلاش محافظه کاران برای دور کردن شمس‌الواعظین از فعالیت‌های مطبوعاتی، علیرغم تعطیل شمس‌الواعظین و نتیجه ندادن آن، این بار قصد دارند با زندانی کردن وی، به مقصود خود دست یابند.

## جبهه مشارکت اسلامی: شدیداً نگرانیم!

ادامه از صفحه اول

دسترسی باشد تا بتواند متناوب جرم و مجازات را میان آمران، طراحان، مباشران و عاملان جنایت توزیع نماید. در این اطلاعیه آمده است: نگرانی دیگر جبهه مشارکت، در مورد رسیدگی به این پرونده، ظرفیت دستگاه قضایی است. در طول تاریخ انقلاب اسلامی پرونده‌ای به این پایه از اهمیت در سطح ملی مطرح نبوده است. این پرونده برای پیگیری نیازمند اراده قدرتمند سیاسی و قضایی برای کشف حقیقت بوده و روند کندی که امروز در این باب مشاهده می‌شود ناشی از فقدان چنین اراده قدرتمندی در سازمان قضایی نیروهای مسلح است. اگر شبکه پیچیده حزب توده نیز مطرح بود، ظرف دو یا سه ماه منحل می‌شد و اگر قضیه کودتای نوژه نیز بود، ظرف شش ماه فیصله می‌یافت. درباره یک محفل محدود و محصور که همه اطلاعات آن در درون یک سازمان دولتی و در سینه مسئولان آن نهفته است، چرا باید یکسال از این پیگیری بگذرد و هنوز دورنمای روشنی از این پرونده پیش رو نباشد؟ جبهه مشارکت اسلامی نوشته است: آنچه روشن است، آمران، طراحان، مباشران و عاملان متعددی در این پرونده نقش داشته‌اند و از این جهت رسیدگی دقیق قضایی به آن نیازمند وجود قاضی شجاع و مستظفر به اراده‌ای قضایی مبنیث از عزم ملی است. رسیدگی به این پرونده باید در دادگاهی علنی و در انتظار عمومی صورت گیرد.

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: شدیداً نگران آن هستیم که مسئولیت بعیده رییس جمهوری باشد اما اختیار و اقتدار لازم در دسترس ایشان نباشد. مسئولیت این رفع نگرانی بعضاً برعهده شخص رییس جمهوری و بعضاً برعهده مواعی است که پیش‌روی اشراف کامل رییس جمهوری، بر این پرونده نبوده‌اند می‌شود. □

## به پیشنهاد دولت و تصویب مجلس: انحصار دولتی بر بانک‌ها و شرکت‌های بیمه پایان یافت

شرایط رقابتی، بازارهای مالی و تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، زمینه فعالیت بانک‌های غیردولتی را فراهم آورد. بانک غیردولتی جمهوری اسلامی ایران مسئول نظارت بر فعالیت بانک‌های غیردولتی است.

مجلس هم‌چنین با پیشنهاد دولت درباره تشکیل شرکت‌های بیمه غیردولتی موافقت کرد. بر اساس ماده ۹۴ قانون برنامه سوم

در حالی که اختلافات اکثریت مجلس با دولت در مورد لایحه برنامه سوم توسعه، امکان پی گرفته شدن این لایحه از سوی دولت را به میان آورده است، روز پنجشنبه گذشته نمایندگان مجلس در اقدامی که از سوی برخی محافل «غیرمنتظره» خوانده شد، پیشنهاد دولت برای پایان دادن انحصار دولتی بر آنچه «بازار پول، سرمایه و

در حالی که اختلافات اکثریت مجلس با دولت در مورد لایحه برنامه سوم توسعه، امکان پی گرفته شدن این لایحه از سوی دولت را به میان آورده است، روز پنجشنبه گذشته نمایندگان مجلس در اقدامی که از سوی برخی محافل «غیرمنتظره» خوانده شد، پیشنهاد دولت برای پایان دادن انحصار دولتی بر آنچه «بازار پول، سرمایه و

## تفکر حذف، چون موریانه‌ای به جان کشور افتاده است

کشور شهید شدند بلکه آثار روانی ماندگار و ویرانی‌های اقتصادی فراوان بر جای گذارد. امروز دیگر سرمایه‌های ما پاسخگوی نیازها نیست و به سرعت در حال پایان یافتن است. در این شرایط، تا توانستیم از دین و مقصدات نیز هزینه کرده‌ایم. نسل جدید ما به اعتراف گزارش‌ها به سویی دیگر می‌رود. فقر و بیکاری بخشی از جامعه را فلج کرده است. اعتیاد همچون بلائی، دامن‌گسترده و بزهکاری و فساد در لایه‌های اجتماعی و حتی مدیریت رخنه کرده است. کشوری که هر روز سرمایه‌های مادی و معنوی خود را هزینه می‌کند دیگر تحمل تنش و خشونت را ندارد. ما در چنین شرایطی به نوعی خودزنی رسیده‌ایم و هر روز یک نفر را به محکمه و محرومیت می‌کشانیم. دنیا با مشاهده حذف‌های بی‌درپی، درباره ما چه داوری خواهد داشت؟ آیا، برداشت عمومی این نخواهد بود که جمهوری اسلامی فرصت‌طلبانی را برای این ملت از ظلم و استبداد را فراهم کرد. اما ترورها، تجزیه‌طلبی‌ها و از همه پرانگیزتر جنگ ۸ ساله تحمیلی - که از طولانی‌ترین جنگ‌های قرن بیستم بود - موانعی جدی در راه آرمان‌های مردم ایجاد کرد. جنگ جهانی، چهارسال طول کشید اما در جنگ ۸ ساله ایران و عراق، نه تنها بهترین جوانان

رقابت و تسلیم به آرا مردم شود. در این شرایط هولناک، تنها راه گذار از این وضعیت برای کشور، التزام به حاکمیت قانون اساسی و گریز از نگاه ابزاری به قانون است. باید به فلسفه قانون عنایت کرد و گر نه هر گروهی که قدرت گرفت، می‌تواند هرچه را خود تصویب کرد، قانونی بداند حتی تعطیل قانون و آزادی را. امروز، اصلاح‌گری تنها راه نجات ایران است. اصلاح‌گری به سود همه حتی به نفع مخالفان آن نیز هست چون با این روش همه در عرصه سیاسی می‌مانند... اکنون فرصتی دیگر پیش آمده و خوشبختانه ایران برخلاف همه پیش‌بینی‌های سیاستمداران و اندیشمندان ایرانی و حتی جهان، در آستانه هزاره سوم با رخداد دوم خرداد فرصت دیگری برای بقا را خلق کرد. ایران کشور ارتباط و تعامل است و نه انزوا و تشنج. فرهنگ اصیل ایرانی با تساهل و تنوع و مدارا سرشته است و نه تنگ‌نظری و خشونت. نساد واقع‌گرایی و پویایی است و نه مثال جزیمت و تحجر. بگذاریم ایرانی بودن، تداعی‌کننده عقلانیت و فرزاندگی باشد و همزیستی مسالمت‌آمیز مذاهب و فرهنگ‌ها را به یاد آورد. همچنان، سرزمین ابوریحان و زکریای رازی و ابن‌سینا و عسر خیام و خواجه نصیرها شناخته شود. □

## تفکر حذف، چون موریانه‌ای به جان کشور افتاده است

تک‌صدایی و انحصاری نه ممکن است و نه مطلوب.

۸ - حوزه فرهنگ، مستقل از حیطه سیاست است و نمی‌توان با اهل فرهنگ و نظرات آنها، براساس موضع‌گیریها و سلاقی سیاسی مواجه شد.

۹ - نظام حقوقی جامعه و روابط میان شهروندان و حاکمیت مبتنی بر حق حاکمیت مردم است.

۱۰ - تأمین امنیت و ثبات در جامعه، جز با استیفای حقوق مخالفان ممکن و عملی نیست.

نوری هم‌چنین افزود:

۱۱ - هیچ گروهی نباید کشور را متعلق به خود بداند و باید تلاش شود که حتی مخالفان برانداز به مخالفان قانونی تبدیل شوند.

۱۲ - معیار و ملاک در مباحث سیاسی و اجتماعی، امنیت و منافع ملی است، نه امنیت و منافع گروهی خاص.

۱۳ - سلب آزادی نشانه ضعف حکومت است نه اقتدار آن.

۱۴ - افزایش و تعمیق رابطه عاطفی و احترام آمیز میان شهروندان و گسترش روحیه اخوت و صمیمیت میان حاکمیت و مردم از لوازم پایداری و بقا

شود که «حقیقت»، تنها در نزد اوست.

۲ - معرفت دینی، امری نسبی و قرائت‌های متنوع و متکثر از دین، مقدور و ممکن است.

۳ - دینداری بدون اکراه و اجبار، اعتلا و تحقق جوهره دین یعنی ایمان و تجربه دینی را محقق می‌کند.

۴ - هیچ خط قرمزی در طرح مباحث نظری و مسائل سیاسی جز آنچه که قانون اساسی به صراحت مشخص و تبیین کرده، وجود ندارد و هیچ مقامی، مصون از انتقاد و سؤال نیست.

۵ - ایران از آن همه ایرانیان، ادای حقوق اساسی شهروندان، حق مشروع و قانونی آنان و گفت‌وگو میان همه نیروهای اجتماعی، مقوله‌ای ضروری و لازم است.

۶ - در چهارچوب شرع، قسان و اخلاق، سبک‌های گوناگون زندگی متصور و میسر است. هیچکس نمی‌تواند و نباید سبک زندگی خود را به نام «شریعت» به دیگران تحمیل کرده آن را قطعی بخواند.

۷ - حقوق فرهنگی جز حقوق اساسی شهروندان است و اهل فرهنگ، دیدگاه‌ها و سلیقه‌های متفاوتی دارند. فرهنگ

## ادامه از صفحه اول

می‌دهند. به نوشته روزنامه خرداد در جلسه سه جانبه‌ای که از سوی مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی تشکیل شده، پیرامون حکم عبدالله نوری مباحثاتی صورت گرفته است و نتیجه آن شده است که تصمیم‌گیری در این مورد بر عهده هاشمی شاهرودی رئیس قوه قضائیه قرار گیرد.

**بازتاب‌های متفاوت**

دفاعیات عبدالله نوری در دادگاه ویژه روحانیت، بازتاب گسترده‌ای در ایران یافته است. در حالی که جناح چپ‌گرایان اصلاح‌طلبان حکومتی، از این دفاعیات به عنوان «سندی ماندگار» نام برده و همبستگی و موافقت خود را با آنچه عبدالله نوری در دادگاه بر زبان آورد اعلام کرده‌اند، محافل وابسته به جناح محافظه کار و ضد آزادی جمهوری اسلامی، این دفاعیات را نشانه بارزی از «استحاله» عبدالله نوری و جدایی او از «نظام» ارزیابی کرده‌اند. محافظه کاران می‌گویند عبدالله نوری با دفاعیات خود از یک کارگزار نظام به سطح یک مخالف «سقوط» کرد. در این میان مواضع بخش‌های محافظه کارتر اصلاح‌طلبان تامل برانگیز است. دفاعیات آتشین عبدالله نوری و از جمله حمایت او از حقوق مخالفین، به مذاق این

گروه از اصلاح‌طلبان نیز خوش نیامده است و حمایت آنان از عبدالله نوری به طور آشکاری فروکش کرده است. برخی از جریان‌ها و احزاب نظیر کارگزاران سازندگی اعلام کرده‌اند اگر عبدالله نوری محکوم شود، او را از فهرست کاندیداهای پیشنهادی خود برای مجلس حذف خواهند کرد. در میان افراد معرفی شده از سوی برخی دیگر از این جریان‌ها، نام عبدالله نوری اساساً به چشم نمی‌خورد. این در حالی است که لایه‌های رادیکال و روشنفکر مذهبی، و از جمله «روشنفکران دینی» نام عبدالله نوری را در صدر فهرست خود قرار داده و او را به عنوان ریاست مجلس پیشنهاد کرده‌اند.

در برابر برخوردهای متزلزل طیف «اصول‌گرا»، دوم خرداد، بیش از صد تن از شخصیت‌های ملی و مذهبی کشور نیز واکنش نشان داده و با انتشار بیانیه سرگشاده‌ای از اصلاح‌طلبان خواستند «با تمام قوا» از عبدالله نوری حمایت کنند.

**آخرین دفاع**

عبدالله نوری در آخرین دفاعیه خود که به صورت کتبی به دادگاه ارائه شد، اصول اعتقادی و سیاسی مورد دفاع خود را چنین جمع‌بندی کرد:

۱ - هیچکس نمی‌تواند مدعی



سروش‌شان و بنیان نهادن اقتصاد ملی مستقل بازمی‌دارد.

دولت نباید تنها «قدرت قابل پرداخت» بخشی از جمعیت را اساس برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی خود قرار دهد و بقیه جمعیت کشور را که از چنین قدرتی محروم‌اند، ندیده بگیرد. نمونه هند در این زمینه گویاست. زیرا هند در دهه هفتاد بعنوان هشتمین کشور صنعتی شده دنیا که از تکنولوژی پیشرفته و موسسه‌های مدرن و سودآور سرمایه ملی برخوردار بود، بیش از نیمی از جمعیت آن زیر خط فقر و دست کم یک چهارم جمعیت در فقر عمیق زندگی می‌کردند. سرمایه‌های هندی برای خود سودآور می‌دانست که ثروت‌های مورد مصرف پیشرفته را برای ۱۵٪ جمعیت که قدرت خرید بیشتر داشتند و بازاری در حدود صد میلیون نفر را تشکیل می‌دادند، بکار اندازد و هرگز این ثروت‌ها را به شکل انبوه و با سود بسیار ناچیز برای اکثریت انسان‌های ساکن کشور بکار نگیرد؛ زیرا تقاضای این مردمان قابل پرداخت نبود و آن‌ها به عنوان بازیگران اقتصادی به حساب نمی‌آمدند.

بدیهی است که دموکراسی در این وضعیت تنها به بخشی از مردم (مانند مورد هند به صد میلیون جمعیت) که از قدرت قابل پرداخت برخوردارند، محدود می‌گردد. بنابراین همان‌طور که کارل پولانی گفته است، دولت نباید اقتصاد را از مجموعه اجتماعی خارج کند و آن را به چیزی در نفس خود تبدیل نماید که قاعده‌های کارکرد آن بر همه کارکردهای جامعه غلبه کند. پس به جای قراردادن جامعه در خدمت اقتصاد باید راه‌های گنجاندن دوباره اقتصاد را در مجموعه اجتماعی جستجو کرد تا بتوان آن را به طرف هدف‌های کلی تر که از نیازهای خصوصی فراتر می‌رود، سمت و سواد. او به عنوان یک غیر مارکسیست منتقد «سوسیالیسم موجود» تأکید می‌کرد که سوسیالیسم بر سرمایه‌داری برتری دارد.

چپ نواندیش در کارزار مبارزه برای ایجاد جامعه آزاد و دموکراتیک با جریان‌های دیگر سیاسی - اجتماعی مرزبندی دقیقی دارد و از این رو، تنها دولت اجتماعی حقوقی مردمان را که ویژگی‌های آن به اختصار پرشمرده شد، دولت واقعی زحمتکشان و توده‌های استثمار شونده و ستمدیده می‌داند و با تکیه بر آن‌ها نیروهای آنان را در این راه بسیج می‌کند. اما مبارزه برای رسیدن به این چشم‌انداز به هیچ وجه به معنای چشم فرو بستن به راه دراز و پرنشیب و فرازی که در پیش است، نیست. از این رو، هر تحول تحت تأثیر انواع جنبش‌های اجتماعی به سوی آزادی و دموکراسی را به دقت نقد و ارزیابی می‌کند و از جنبه‌های مثبت آن حمایت و پشتیبانی می‌نماید. زیرا تحول‌های اجتماعی روندی تدریجی و فارغ از جهش ناگهانی است.

عدالت اجتماعی - در فلسفه سیاسی چپ عدالت اجتماعی جای خاصی دارد و مهم‌ترین محور آن را تشکیل می‌دهد. بدون داشتن دید و فهم روشن از عدالت اجتماعی از منظر چپ مرزبندی آن با سایر دیدگاه‌ها در این زمینه مشخص نمی‌شود و اختلاط مخدوش‌کننده‌ای بین مواضع و برداشت‌های مختلف بوجود می‌آید.

عدالت اجتماعی در شعار سیاسی چپ معطوف به مبارزه در راه تأمین حداکثر ممکن منافع زحمتکشان یدی و فکری و توده‌های محروم جامعه در کار و فعالیت زندگی اجتماعی است. بنا بر منطق فلسفه سیاسی چپ تأمین عدالت اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی تنها تکیه روی رشد اقتصادی نیست، بلکه تأکید بر «توسعه اقتصادی» است. این توسعه رشد موزون اقتصادی و اجتماعی را در ارتباط با منافع توده‌های مردم در نظر دارد و به تأمین خواسته‌ها و منافع طبقاتی گروهی صاحب امتیاز و دولتمند محدود نمی‌گردد. این تکیه و تأکید بحث پیرامون رابطه اقتصاد و سیاست را پیش می‌کشد. زیرا چگونگی این رابطه جامعه را در رسیدن به هدف‌های واقعی عدالت اجتماعی دور یا نزدیک می‌کند.

از پس از جنگ دوم جهانی تا دهه ۷۰ اقتصاد نسبتاً تحت تأثیر سیاست قرار داشت. به موجب گنجدگی نسبی اقتصاد در سیاست تحول عظیمی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری اروپا در زمینه تأمین مسکن، بیمه درمانی، بیمه پیری، بهداشت و آموزش عمومی، تأمین حقوق بازنشستگی و ازکارافتادگی، تقلیل ساعت کار، توسعه نهادهای فرهنگی و هنری، توسعه کتابخانه‌ها به هزینه عمومی بوجود آمد. ولی از آن پس رفته رفته اقتصاد از سیاست مستقل و در عرصه‌های مهم بر آن چیره شد. پس منظور از تبعیت اقتصاد از سیاست این است که سروشت جامعه و مردم به «دست نامرئی» موهم بازار به مثابه یگانه تنظیم‌کننده امور سپرده نشود و از عتبات گسیختگی اقتصاد و عقلانیت ضد دموکراتیک آن جلوگیری به عمل آید. بر این اساس سازماندهی اقتصاد به وسیله سیاست عبارت از پیروی از نیازهای مدیریت سرمایه به سود یک‌جانبه آن نیست. مسئله عبارت از مدیریتی است که به بی‌عدالتی و شکاف در جامعه دامن نزدند و راه تدریجی دست‌یافتن به عدالت اجتماعی واقعی را هموار سازد.

در فلسفه سیاسی لیبرالیسم اقتصاد و لیبرالیسم نو، برابری در بازار یگانه راه برابری بی‌ابهام و ستودنی تعریف شده است، حال آن که این «برابری» خود را مسئله‌برانگیزترین برابری نشان می‌دهد. آدام اسمیت بنیان‌گذار مکتب کلاسیک در اقتصاد که ابتدا جان‌بدار نظریه برابری در بازار بود، سرانجام اسطوره «برابری در بازار و مبادله» را که خود آن را ساخته بود، متزلزل کرد. با این همه این اندیشه در فکر لیبرال‌های بعدی و لیبرال نو هیچ انعکاسی ندارد.

هرچند این موضوع واقعیت دارد که خواست برابری مادی ذاتاً متضاد جلوه می‌کند، اما نابرابری و بی‌عدالتی فوق‌العاده در نفس خود برابری حقوقی در عرصه سیاسی را زایل می‌سازد. بی‌توش و توان‌بودن آزادی‌های سیاسی در کشورهای عقب‌مانده و نادار گنوا روشنی بر این مدعاست. بی‌جهت نیست که اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ که تحت تأثیر پیروزی بر فاشیسم به تصویب رسید، روی «حقوق اجتماعی و سیاسی» تأکید بارزی دارد. این حقوق تنها در شرایط تبعیت امر اقتصادی از امر سیاسی تأمین می‌گردد. از این رو، «رابطه آزادی با نیاز» به مفهوم اساسی تبدیل شده است. زیرا نابرابری شرایط اقتصادی و اجتماعی باعث می‌شود که آزادی حقوق صوری اعتبار خود را از دست بدهد. اصل برابری در خود انسان موضوعی است که نمی‌توان از آن چشم پوشید و این البته نه از آن رو که به طبیعت انسان رجوع شود و بر این پایه داوری می‌گردد، بلکه از این رو که این برابری به طبیعت ثانوی و دستاوردهای تاریخی انسان تبدیل شده که هیچ حرکت ارتجاعی با همه کامیابی ممکن تاکتیکی و مقطعی نمی‌تواند آن را به‌طور استراتژیک از صحنه زندگی اجتماعی برود. در واقع «کسی که از گرسنگی مفرط و بی‌غذایی تا سرحد مرگ رنج می‌برد، بی‌تردید در شرایط «فقدان کلی حقوق» عینی قرار دارد که در آخرین تحلیل با شرایط برده فرق ندارد» (هگل).

پس برقراری آزادی از برقراری حداقل برابری جدایی‌ناپذیر است. افراد ممکن است از حیث حقوقی آزاد باشند، اما از حیث اقتصادی در عسرت زندگی کنند. در این صورت آن‌ها با وجود برخورداری از آزادی بنا بر موزاین منسوب حقوقی در وضعیت بردگی قرار می‌گیرند. در این جا باز شکل رابطه اقتصاد و سیاست مطرح می‌گردد.

بر سر چگونگی این رابطه است. از نظر چپ شانس‌های مشارکت در صورتی که افراد از موقعیت اجتماعی و اقتصادی مناسب برای استفاده از آن چه قوانین و حقوق اساسی برایشان مقرر کرده، برخوردار نباشند، وعده توخالی باقی می‌ماند. و این کار جز از راه کنترل سودورزی افسارگسیخته سرمایه بوسیله دولت و نهادهای توده‌ای دموکراتیک ممکن نیست. لیبرال‌هایی چون هایک به شدت با این نظر مخالف‌اند و معتقدند که «استبداد هنگامی آغاز می‌گردد که دولت نابرابری‌های فاحش در سطح اقتصادی و اجتماعی را امری صرفاً خصوصی تلقی نکند». در واقع آن‌ها «قطب‌بندی فوق‌العاده زیاد فقر و ثروت را منحصراً ناشی از قلمرو خصوصی» می‌دانند.

محافظه‌کاری جدید با چنین برداشتی از رابطه اقتصاد و سیاست در زدودن نه تنها آثار چشمگیر جنبش کارگری و سوسیالیستی، بلکه هم‌چنین در زدودن آثار انقلاب فرانسه و اندیشه برابری و برادری و «دولت رفاه» و غیره با راست قدیم و جدید همکاری و همفکری دارد. زدودن مسیرات جنبش دموکراتیک سوسیالیستی عمیقاً با مفهوم انسان و حقوق بشر در تضاد است؛ زیرا وقتی از حقوق بشر و شهروند صحبت می‌شود، به معنای این است که ما با فرهنگ سیاسی پیشرفته سروکار داریم که در آن انسان در کلیت مطرح است. چپ دموکراتیک با چنین فرهنگی پیوند دارد. اما سنت لیبرالی هنگامی که دادن هر معنی اقتصادی و اجتماعی به مقوله برابری را نفی می‌کند و حقوق شهروندی را تنها در برابری حقوق سیاسی خلاصه می‌کند، دقیقاً اصل دو وجهی بودن برابری در اقتصاد و سیاست را ندیده می‌گیرد.

با این همه، علیرغم این سنت سیر حوادث پس از جنگ دوم جهانی به تدریجی پیش رفت که لیبرالیسم اقتصادی را پس نشانند، بطوری که چهره دموکراسی‌های غرب در مقایسه با گذشته آن به‌طور کیفی متمایز گردیده است. این دگرگونی‌ها از آن رو به جنبش‌های کارگری و سوسیالیستی وامدار است که به اعتراف پوپر «بخش بسیار مهمی» از درخواست‌های برنامه‌ای مانیفست حزب کمونیست را عملی ساخته است. یکی از بردارهای مهم دادن معنی اقتصادی و اجتماعی به مقوله برابری همانا برقراری «مالیات بر درآمد قویاً تصاعدی یا نسبی» است. این رویداد مهم بخصوص در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری نشان می‌دهد که دموکراسی سیاسی بدون پایه عدالت اجتماعی سخت‌ناستوار و متزلزل است. به بیان دیگر، آزادی و برابری بدون «درآمد مناسب» صوری باقی می‌ماند.

در شرایط ویژه‌کنونی که لیبرالیسم نو زندگی زحمتکشان را در همه عرصه‌ها در معرض خطر قرار داده، مسئله صوری بودن حقوق و آزادی که مارکس بر آن تأکید داشت، برجستگی خاصی می‌یابد. بدین ترتیب، با قطعیت می‌توان گفت که سنت دموکراتیک سوسیالیستی هنوز از توانایی‌های بسیار زیادی در کمک به تدارک مفهوم عمومی انسان برخوردار است. مفهومی که سنت لیبرالی از ابتدا با محورهای اساسی آن مخالفت کرده است.

با این همه، علیرغم مقاومت‌های جدی و سرسختانه‌ای که سنت لیبرالی در پذیرش مفهوم این کلیت (مفهوم عمومی انسان) از خود نشان داده است و می‌دهد، دستاوردهای عظیمی تحت تأثیر جنبش کارگری و سوسیالیستی در زمینه حقوق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بدست آمده که نشانه‌های بارزی از تحقق مفهوم عمومی انسان و تأمین شمار مهمی از عنصرهای عدالت اجتماعی است. جنبش دموکراتیک سوسیالیستی در تدارک مفهوم عام انسان در عرصه شخص یا فرد نیز سهم قطعی داشته است. این موضوع از دیرباز مورد انتقاد نظریه‌پردازان مختلف و لیبرالی بوده است. چنان‌که نیچه هنگامی که موضوع «برابری مشخص» را به حساب سوسیالیسم می‌گذاشت، می‌دانست که غرض از آن تأیید این نکته است که هر عضو نوع بشر باید به عنوان شخص نگریده شود. او در مخالفت با آن می‌گفت که «اغلب مردم به هیچ وجه در شمار شخص نیستند»، «تنها برخی‌ها جز شخص» به حساب می‌آیند. بورکه یکی دیگر از این نظریه‌پردازان زحمتکشان روستا را «ابزار گنگ» می‌دانست. نیچه هم ضمن بحث درباره صنعت، کارگران را «آلت نقاله» تعریف کرده است. سی‌یس مزدباز را «ماشین کار» توصیف می‌نمود. ماندویل و نیچه هر یک به

تربیتی آموزش عمومی را برای زحمتکشان را نفی می‌کردند.

در زمان ما هایک سخنگو و نظریه‌پرداز تراز نخست لیبرالیسم نو که به شدت با مفهوم عمومی انسان و هنجار مشخص آن مقوله «عدالت اجتماعی» مخالف می‌ورزد «تصمیم انحصاری دولت در عرصه‌های تأمین اجتماعی را به خاطر وجهه سوسیالیستی آن و «عدول از اصول لیبرالی» محکوم می‌کند و اقدام در زمینه «وضع مالیات تصاعدی برای باز تقسیم درآمد به نفع طبقه‌های بسیار فقیر» را آلودگی تحمل‌ناپذیر جامعه غربی می‌داند.

بر پایه چنین نظریه‌هایی است که لیبرالیسم نو «عقلانیت اقتصادی» را جانشین «عقلانیت اجتماعی» کرده و جهان را به لبه پرتگاه «بربریت» کامل سوق داده است. نشانه‌های بارز این «بربریت» تولیدگرایی جنون‌آمیز، سوداگرگی‌های مالی، غارت و تخریب محیط زیست، فروش کودکان و زنان، داد و ستد عضوهای انسان، تجارت جنین، تجارت مواد مخدر و آلودگی و دستکاری مواد غذایی و غیره است.

چپ برای مقابله با این روند و مبارزه با عقلانیت اقتصادی که به نابودی فردیت و تبدیل انسان به شیئی و از خودبیگانگی همه‌جانبه او می‌انجامد، باید همه نیروهای ذینفع جامعه را در راه عقلانیت اجتماعی بسیج کند؛ زیرا تأمین عدالت اجتماعی در پرتو این عقلانیت امکان‌پذیر نیست.

به کوتاه سخن، نگرش چپ به «عدالت اجتماعی» با همه نگرش‌های دیگر اجتماعی - سیاسی دارای این تفاوت اساسی است که به آن از نظم منافع زحمتکشان و توده‌های محروم و ستمدیده جامعه می‌نگرد و در هر سره از برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی ملی آن را در یک پیوند دیالکتیکی اساس دگرگونی ساختاری جامعه قرار می‌دهد، به نحوی که تعرض آمیز نباشد. بدیهی است این نگرش با نگرش‌هایی که زیر نام برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی ملی منافع صاحبان ثروت و سرمایه را اساس کار قرار می‌دهند، تضاد فاحش دارد.

در شرایط کنونی چپ در زمینه برنامه‌ریزی ملی از آن رو با طرح تعدیل ساختاری بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و الحاق دست و پا بسته به سازمان تجارت جهانی مخالفت می‌ورزد که آن را از یک سو به زیان منافع بنیادین زحمتکشان و دور شدن از آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی می‌داند و از سوی دیگر، اجرای این طرح‌ها پایه‌های پیرامونی بودن کشور ما را بازسازی و تحکیم می‌کند.

چپ در پرتو این مخالفت و تقاضای نوعی بیداری توده‌های مردم می‌گردد، نوعی همبستگی کثرت‌گرایانه فعال با سازماندهی مردان، کودکان، بیکاران، مطرودان، ستمدیدگان، کارگران، دهقانان، سکنه به فقر کشیده شهر، کسبه خردده، بی‌خانمانان، طبقه‌های متوسط از هستی ساقط شده، حاشیه‌نشینان شهرها وجود می‌آورد که قادر است سرمایه‌های ملی و فراملی را به سود آنان به خدمت طرح‌ها و نوسازی‌های ملی درآورد و مانع از غارت منابع و امکان‌های ملی توسط این سرمایه‌ها گردد.

گوهر اندیشه چپ نقد عدالت است و این نقد را در هر سامان اجتماعی برای تأمین حقوق شهروندی و ژرفش آزادی، دموکراسی، برابری، برادری بکار می‌گیرد.

بردارهای شاخص تأمین عدالت اجتماعی در جامعه عبارتند از:

- ۱- مبارزه در راه آزادی و دموکراسی
- ۲- مبارزه در راه توزیع قدرت و تأمین مشارکت توده‌های مردم در همه عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی،
- ۳- مبارزه در راه بسیمه‌های اجتماعی، درمان، بازنشستگی، ازکارافتادگی، حقوق بیکاری و تأمین بهداشت و آموزش عمومی،
- ۴- مبارزه با ایدئولوژی لیبرالیسم نو و لیبرالیسم اقتصادی در سیاست داخلی و خارجی،
- ۵- مبارزه برای گنجاندن اقتصاد در سیاست،
- ۶- تلاش برای برنامه ریزی اقتصادی - اجتماعی ملی بر بنیاد منافع زحمتکشان و محیط زیست،
- ۷- کنترل بازار از راه تأمین نظارت ملی،
- ۸- مبارزه با تولیدگرایی و سوداگری‌های مالی،
- ۹- مبارزه برای تبعیت سرمایه‌های خارجی از برنامه‌های ملی و نه برعکس.

